

آموزشی ابتداری



سازمان آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی ایران



ISSN : 1606-9102

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره بیست و دوم - آذرماه ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۱۷۶ - صفحه ۴۸ - ۱۵۰۰ ریال

www.roshdmag.ir



آموزش شاد

اعلام برندگان مسابقه تلنگر

صفحه ۴۷

۱۴۴

درست و نادرست
در آموزش قرآن

۱۴۴

صلاحیت‌های
معلم مطالعات اجتماعی

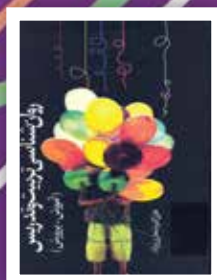


علی اکبر شعاری نژاد هماهنگی دل و مغز

وی معتقد بود:

سالم بودن هر نظام تربیتی و محتوای آن را می‌توان از میزان و چگونگی توجهش به ایمان برای تحقق عبودیت، به اخلاق برای تحقق برادری و روابط سالم و سازنده بین مردم، و به علم برای تحقق سلطه‌ی انسان بر طبیعت و بهره‌برداری سالم از آن شناخت. در نظام تربیتی سالم، انسان وقتی می‌تواند از سعادت واقعی هر دو جهان برخوردار شود که دست و دل و مغز او هماهنگ تربیت شوند و او از بدن سالم و عاطفه‌ی سالم با هم بهره‌مند شود. معلم باید از نظر علمی به روز زندگی کند. انتشار مجله‌ی معلم امروز (سردبیری، صاحب امتیازی و مدیر مسئولی مجله) از فعالیت‌های وی به منظور روز آمدسازی علمی معلمان بود. شعاری نژاد در حوزه‌ی بالا بردن کیفیت نشریه‌اش می‌گفت: «تلاش می‌کنم آنچه را می‌فهمم بنویسم. من روی واژه‌ی «برداشت» تأکید دارم و به همه‌ی نویسندگان یا ویراستاران توصیه می‌کنم مطلب را طوری تنظیم کنند که خواننده هم به راحتی بفهمد». از شعاری نژاد بیش از ۴۰ عنوان کتاب با موضوعات روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری، اصول ادبیات کودکان و فلسفه‌ی آموزش و پرورش به چاپ رسیده است. گستره‌ی کار او عبارت بود از: روان‌شناسی و فلسفه‌ی آموزش و پرورش؛ روش‌های تربیتی، روان‌شناسی عمومی، نوجوان و کودک؛ ادبیات کودکان.

علی اکبر شعاری نژاد (۱۳۰۴ - ۱۳۹۲) تهرینی دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی از دانش‌سرای مقدماتی در سال ۱۳۳۴ و تحصیلات حوزوی در کنار تحصیلات رسمی و حرفه‌ای؛ مدرس دانش‌سرای مقدماتی و کالج تربیت معلم تبریز، مدرسه‌ی عالی پاریس، دانشگاه تربیت معلم (دانش‌سرای عالی سابق)؛ مدیر گروه روان‌شناسی تربیتی و مدرس دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی؛ استاد ممتاز دانشگاه تربیت معلم، استاد و پژوهشگر نمونه‌ی دانشگاه علامه طباطبائی و عضو شاخص هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی.



آموزشی ابتداری



ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست‌ودوم - آذرماه ۱۳۹۷ - شماره‌ی پیاپی ۱۷۶ - صفحه ۴۸ - ۱۵۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت سردبیر - آموزش شاد و شادی آموزش ۲/

تقویم ماه - آذر ماه/ ۳/

گفت‌وگو - معلمان موفق - دانش‌آموزی، شرط معلمی/ الهام فراستی/ ۴/

فوت و فن کلاس‌داری - از کلاس برو بیرون! نیره شاه محمدی/ ۷/

برنامه‌ی درسی - ریاضی/ اعداد تقریبی و تخمین (بخش نخست)/ اسپیده چمن‌آرا/ ۸/

● مطالعات اجتماعی/ صلاحیت‌های معلم مطالعات اجتماعی/ زهرا یوسفی/ ۲۴/

● هنر/ سلام بر معلم هنر/ فریبا شاپوریان/ ۳۲/

● قرآن/ درست و نادرست در آموزش قرآن/ رضا نباتی/ ۴۴/

مهارت‌های زندگی - آموزش مهارت ارتباط مؤثر/ فهیمه احمدی/ ۱۲/

جزوه - زیبایی و تناسب اندام - زیباتر باشیم/ ۱۴/

تجربه‌ی مادرانه - نقاشی می‌خواهی چکار؟/ کبری محمودی/ ۲۲/

تجربه‌های ناب - کاشت، داشت، برداشت/ اسما خنجری زرنندی/ ۳۴/

نوشتار - تصاویر نادرست از هوش‌های چندگانه/ بهرام قاسمی‌نژاد/ ۳۶/

رویکردهای تربیتی - رویکرد خردمداری انسان‌گرایانه - والدورف/ علیرضا پیربایا/ ۳۹/

خاطره - ۴۲/

همراهان - برندگان مسابقه‌ی تلنگر/ ۴۷/

آلبوم عکس - شیرین و مهربان با قرآن/ ۴۸/



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام‌نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.



عکاس: مهدی باغبان‌زاده

آموزش شاد و شادی آموزش

شاد بودن هنر است، شاد کردن هنری والا^۱.

انسان موجودی است که همان اندازه که به هوا و غذا نیاز دارد، نیازمند شادی هم هست. انسان‌های غمگین زودتر از انسان‌های شاد به بیماری دچار می‌شوند و معمولاً عمر کمتری دارند. معلمی هم حرفه‌ای است که با انسان‌ها سر و کار دارد؛ هر چند، به عنوان شاغل در یک حرفه‌ی تعریف شده، وظیفه‌ی تدریس داشته باشد. اما فکر کنید این معلم با مجموعه‌ای از انسان‌های کوچک غمگین روبه‌رو باشد! آیا یک کلمه هم می‌تواند به آن‌ها بیاموزد؟ و فکر کنید، معلم خودش غمگین باشد! آن وقت مصداق مصرع «افسرده دل، افسرده کند انجمنی را»^۲ خواهد بود.

پس معلم دو وظیفه‌ی غیرسازمانی دارد؛ یکی شاد بودن و دیگری شاد کردن. که هر دو لازم و ملزوم همدیگرند. معلم غمگین نمی‌تواند شادی بیافریند و معلم شاد باید راه شاد کردن بچه‌ها را آموخته باشد. شادی ایجاد رضایت درونی در افراد است. وقتی معلم کاری می‌کند که بچه‌ها خودشان یاد بگیرند، این رضایت درونی را در آن‌ها ایجاد می‌کند. درست این است که معلم خودش روی خودش کار کند. معلم باید کارش را درست انجام بدهد و از کار خودش رضایت داشته باشد تا شاد و راضی باشد؛ تا مصداق «از کوزه همان برون تراود که در اوست»^۳ بشود.

این شادی دائمی معلم، بی‌گمان به کودکانی که هر روزه با آن‌ها سر و کار دارد، سرایت می‌کند. شادی مثل خیلی از پدیده‌های هستی مسری است. کافی است به تصویری که در آن خنده و یا حتی لبخندی نقش بسته است نگاه کنیم و اثر فوری آن را که نقش بستن لبخند بر لبانمان است، حس کنیم. معلم باید ابتدا شادی خودش را عمیق و عمیق‌تر کند و بعد راه‌های شاد کردن کودکان را بیاموزد.

سال گذشته در بازدید از مدرسه‌ای در آران کاشان^۴ پدیده‌ی جالبی دیدم که نقش آن، پس از گذشت یک سال، همچنان در ذهنم مانده است: شاد بودن هر چیزی که به چشم می‌خورد؛ از آسفالت کف حیاط تا دیوارها و پنجره‌ها و از مستخدم مدرسه تا مدیر محترم آنجا. گویی فضای مدرسه را به عطر شادی آغشته بودند. وقتی با معلمان و کارکنان اداری مدرسه هم صحبت شدم، متوجه شدم شادی اصل اول این مدرسه است. و نتیجه‌اش این بود که دانش‌آموزان مدرسه از شادی عمیقی برخوردار بودند و اتفاقاً درس‌خوان‌تر و فعال‌تر از دانش‌آموزانی بودند که در بیشتر مدرسه‌های دیگر دیده بودم.

رمز موفقیت این مدرسه ایجاد فضای شاد و فعال از هر لحاظ در مدرسه بود.

تصویر روی جلد این شماره به پایه‌ی اول همان مدرسه مربوط است. نکته‌ی مهم این است که همه‌ی کسانی که در آن مدرسه بودند، همگی با هم به ایجاد فضای شاد در مدرسه کمک می‌کردند. آن‌ها هنر شاد بودن و والا^۱ از آن، هنر شاد کردن را به خوبی بلد بودند و به کار می‌بردند. شاد بودن هزینه‌ای ندارد و شاد کردن هزینه‌اش کمتر از شاد بودن است.

محیط مدرسه و کلاستان را شاد کنید، آنگاه منتظر نتایج عالی آن باشید.

۱. زاله اصفهانی (۱۳۰۰ اصفهان - ۱۳۸۶ لندن)

۲. منسوب به قائم مقام

۳. از رباعیات شیخ بهایی

۴. گزارش آن در شماره‌ی ۸ سال ۹۶ در ماهنامه چاپ شد.

آذرماه

مناسبت‌های آیینی

۴ آذر، ۱۷ ربیع‌الاول

ولادت حضرت رسول اکرم (ص)
روز اخلاق و مهرورزی
ولادت امام جعفر صادق (ع)



حضرت محمد(ص) پیامبر رحمت و اخلاق و
مهربانی هستند. خداوند در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی
آل عمران فرموده است: «پس به برکت رحمت
الهی با آنان (مردم) نرم‌خو و مهربان شدی و
اگر تندخو و سخت دل بودی، از پیرامون تو
پراکنده می‌شدند.» روز میلاد آن حضرت روز
اخلاق و مهرورزی هم نامیده شده است.

۲۵ آذر، ۸ ربیع‌الثانی

ولادت امام حسن عسکری (ع)، روز پژوهش

۲۷ آذر، ۱۰ ربیع‌الثانی

وفات حضرت معصومه (س)

بزرگداشت مشاغل

۵ آذر

روز بسیج مستضعفان به
فرمان امام خمینی (ره)

۷ آذر

روز نیروی دریایی



مناسبت‌های آموزش عمومی

۱۲ آذر، ۳ دسامبر

روز جهانی معلولان

۱۷ آذر، ۸ دسامبر

روز جهانی مبارزه با فساد

۱۹ آذر، ۱۰ دسامبر

روز جهانی حقوق بشر

۲۰ آذر، ۱۱ دسامبر

روز جهانی کوهستان

این روز برای یادآوری اهمیت حفظ کوه و کوهستان
نام‌گذاری شده است. کوه‌ها علاوه بر ذخیره کردن آب
برای ما، مکان‌هایی مناسب برای پیاده‌روی هستند.
پیاده‌روی در کوه علاوه بر حفظ سلامتی جسمی، روح را
هم جلا می‌دهد.



مسابقه

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی تصمیم دارد طرح‌ها و فعالیت‌های شما را در زمینه‌ی «استفاده از مناسبت‌های تقویم در آموزش» به مسابقه بگذارد و به بهترین‌ها جایزه بدهد.
شما می‌توانید ایده‌ها و کارهایتان را برای ما بفرستید تا در صورت مناسب بودن، آن‌ها را به نام خودتان چاپ کنیم و در نهایت به بهترین طرح‌ها جایزه و تقدیرنامه تقدیم کنیم.



دانش‌آموزی، شرط معلمی

گفت‌وگو با نورمحمد سلطانی، معلم چندپایه راه یافتن به ذهن دانش‌آموز ابتدا باید به دل او راه پیدا کند. وقتی معلم با دانش‌آموز رابطه‌ی عاطفی برقرار کند، احساس امنیت را در او به وجود می‌آورد. این احساس باعث می‌شود او مدرسه را خانه‌ی خود بداند و با عشق به مدرسه بیايد. حال ذهن او آماده‌ی یادگیری است. از طرف دیگر، معلم حرفه‌ای، برای یاد دادن، خودش را دانش‌آموزی می‌داند که پیوسته در حال یادگیری است. چنین معلمی همیشه حرفی برای گفتن دارد. در اینجا با معلمی آشنا می‌شویم که عشق او به بچه‌های منطقه‌ی زاغه (استان لرستان) آن قدر وسیع است که برای بودن با آن‌ها و معلم حرفه‌ای شدن، تحصیلاتش را تا سطح دکترا ادامه داده است.



چطور از معلمی سر در آوردید؟

سال ۷۱ دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی بودم. در تابلوی اعلانات مدرسه دیدم که دانش‌سراهای تربیت معلم دانش‌آموز می‌گیرند. به دلیل علاقه‌ای که به معلمی داشتم، وارد دانش‌سرای مقدماتی تربیت معلم شدم. وقتی بعد از چهار سال دیپلم آموزش ابتدایی گرفتم، دولت دانش‌آموزان دانش‌سراها را جذب آموزش و پرورش می‌کرد. اولین سال خدمتم را در منطقه‌ی سیلاخور گذراندم و بعد از شش سال تدریس در این منطقه به منطقه‌ی زاغه در استان لرستان رفتم که زادگاه خودم نیز هست.

چرا این همه سال در ابتدایی ماندید؟

اوایل خدمتم در منطقه‌ی سیلاخور بودم که حدود ۸۰ کیلومتر با زادگاهم فاصله داشت، بنابراین، مجبور بودم از شنبه تا چهارشنبه در آنجا زندگی کنم. در آن شش سال ارتباطم با بچه‌ها عمیق‌تر شد. کم‌کم عاشق کار کردن و زندگی با بچه‌ها شدم. عشق به بچه‌ها، میل به تأثیرگذاری و علاقه‌ی کمک به دیگران از عواملی بودند که باعث می‌شدند در ابتدایی بمانم. علاوه بر آن، دانش‌آموزان ابتدایی لوح سفیدی هستند که هر کدام از حرکات ما برای آن‌ها الگوست. الگوپذیری در روستا بسیار بالاتر است. در طول سال‌های خدمتم، به مدت یک و سال و نیم در اداره مشغول کار بودم و آنجا بود که متوجه شدم کار اداری با روحیات من سازگار نیست. عشق به بچه‌ها دوباره مرا به مدرسه بازگرداند.

از معلمی کلاس چند پایه بگوئید.

وقتی جذب وزارت آموزش و پرورش شدم، اغلب مدارس روستایی به صورت چند پایه بودند. من نیز معلم کلاس چند پایه شدم. اداره‌ی کلاس چند پایه حوصله و مهارت زیادی می‌خواهد. ما در دانش‌سرا کلاس‌های کارورزی داشتیم که در آن‌ها از ما می‌خواستند مثلاً فارسی و ریاضی را به صورت تلفیقی آموزش دهیم. مهم‌ترین مشکل معلم کلاس چند پایه مدیریت زمان است. او باید بتواند با استفاده از آموزش تلفیقی زمانش را مدیریت کند. برای مثال، ارتباط کتاب ریاضی در شش پایه را پیدا کند تا بتواند در یک ساعت به تمام پایه‌ها آموزش دهد. از سوی دیگر، رشته‌ی تحصیلی با برنامه‌ی کاری‌اش یکی باشد و بتواند نقاط ضعف و قوت کارش را پیدا کند. زمانی که معلم بودم، معلم باتجربه‌تری با عنوان راهنما (آن موقع راهبر نبود) به کلاسمان می‌آمد و ما را راهنمایی و کارمان را نقد می‌کرد. به نظرم، معلمان کلاس‌های چند پایه باید اجازه بدهند دیگران کلاسمان را ببینند و نظر بدهند.

اصول معلمی شما چیست؟

در این حرفه، داشتن مهارت‌های ارتباطی اهمیت زیادی



خاطره

● سال ۷۸ (سال دوم خدمتم)، به همراه یکی از همکارانم برای دانش‌آموزان برنامه‌ی گردش علمی گذاشتیم. در واقع قصدمان این بود که اردو جنبه‌ی علمی - آموزشی داشته باشد. تصمیم گرفتیم به رودخانه‌ی نزدیک روستا برویم؛ جایی که هم سرسبز بود و هم زیارتگاه داشت. روستا یک مینی بوس داشت که صبح‌ها اهالی را به شهر می‌برد و بعد از ظهرها برمی‌گشت. تصمیم گرفتیم پیاده برویم، ولی از آنجا که کوله‌پشتی‌های بچه‌ها سنگین بود، یکی از دانش‌آموزان داوطلب شد گاری بیاورد. این گاری دو چرخ داشت و به پشت الاغ وصل شده بود. کوله‌پشتی‌ها را در گاری گذاشتیم. وقتی به سربالایی رسیدیم، بچه‌ها خودشان گاری را هل می‌دادند تا الاغ اذیت نشود. موقع سرازیری هم لای چرخ گاری آهن می‌گذاشتند تا سرعت آن گرفته شود. در این اردو، آداب زیارت، ورود به قبرستان (درس هدیه‌های آسمان)، قسمت‌های مختلف گیاه (درس علوم) آموزش داده شدند. برای بچه‌ها خیلی لذت‌بخش بود که درس‌هایشان را در فضای خارج از کلاس و مدرسه به صورت تجربی می‌آموزند.

● یک سال در روستا کلاس چند پایه‌ای داشتیم که پنج دانش‌آموز داشت. وقتی وارد کلاس شدم، ردیف جلو خالی بود. دانش‌آموز ریزنقشی را دیدم که ردیف آخر نشسته بود. احساس ترس داشت و بدنش می‌لرزید. وقتی پرس و جو کردم، متوجه علت ترس او شدم. او چون مرا نمی‌شناخت می‌ترسید. برای شروع کلاس، ابتدا با بچه‌ها «سیخ بیار کباب ببر» بازی کردیم و بعد از یک هفته، وقتی وارد کلاس شدم، با صحنه‌ای روبه‌رو شدم که مرا بسیار شگفت‌زده کرد؛ آن دانش‌آموز، خودش ردیف جلو نشسته بود و پیشنهاد بازی می‌داد. او یکی از بهترین دانش‌آموزانی بود که داشتیم.

آقای نور محمد سلطانی در یک نگاه

- خدمت در آموزش و پرورش (۲۷ سال)
- راهبر آموزشی ۱۷ مدرسه (در حال حاضر)
- دیپلمه‌ی آموزش ابتدایی
- کارشناس و کارشناس ارشد مدیریت
- دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی
- معلم نمونه‌ی استانی (سال ۱۳۹۱)
- معلم نمونه‌ی استانی در پژوهشکده
- مؤلف چند مقاله‌ی آموزشی
- همکار تهیه‌ی بسته‌ی آموزشی «توسازی و بهسازی یادگیری در کلاس‌های چند پایه (۱=۶)» در سطح کشور



دارد. برای برقراری این ارتباط نیاز به شناخت داریم. وقتی وارد کلاس یا مدرسه‌ی جدیدی می‌شوم، باید نسبت به دانش‌آموزان شناخت پیدا کنم.

● معلم امروز باید تسهیلگر باشد، یعنی بتواند شرایط یادگیری دانش‌آموزان را با توجه به نیازشان در جامعه فراهم کند. معلم باید کمک کند دانش‌آموز خودش فکر کند و به یادگیری برسد تا بتواند به دیگران هم بیاموزد.

● معلم نباید ارائه‌دهنده‌ی صرف محتوا باشد و نگاه قدیمی به آموزش داشته باشد. معلم باید دانش‌آموز باشد. ما به عنوان معلم باید بازخورد کارمان را داشته باشیم و زمینه‌های مطالعه برای آموزش فردا را پیدا کنیم.

آیا تجربه‌های خود را در اختیار معلمان جوان می‌گذارید؟

بنده وبلاگ (<http://chandpayeh55.blogfa.com>) دارم که در آن اغلب تجربه‌های خود را می‌نویسم. هر معلمی در سال‌های خدمتش قطعاً تجربیات خوبی دارد که می‌تواند راه‌گشا باشند، ولی این تجربه‌ها در هیچ کجا ثبت و مستندسازی نمی‌شوند. برای مثال، در کشور ژاپن، هر معلم بعد از پایان خدمتش باید مستنداتش را در قالب کتاب تحویل دهد. اداره هم کلاس‌هایی کارگاهی برای ما برگزار می‌کند که در آنجا معلمان تجربه‌های یکدیگر را نقد می‌کنند. ما از طریق شبکه‌های مجازی تجربه‌هایمان را در اختیار هم قرار می‌دهیم. سال گذشته، گروه کیفیت‌بخشی به آموزش چند پایه، از ما فیلم آموزش تلفیقی خواستند. سناریو را به ما دادند و ما بر اساس سناریو از کلاس‌مان فیلم گرفتیم و برای اداره فرستادیم. این فیلم‌ها را نقد کردند و به صورت بسته‌های آموزشی بین راهبران مدرسه‌های چند پایه توزیع کردند.

نمونه‌هایی از فعالیت‌های آقای سلطانی

برگزاری جشن‌های ملی - مذهبی با کمک دانش‌آموزان: برای مراسم دهه‌ی فجر، از دانش‌آموزان خواستم با کمک مادرشان در خانه یک بیزند و آن را، همراه با دستور پخت، به کلاس بیاورند. با این فعالیت، هم تغییر شیمیایی (درس علوم) و هم گزارش‌نویسی (درس فارسی) تلفیق می‌شود و یک دست پخت خودشان را در مراسم می‌خورند.

آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان: غالباً در کلاس با کمک بچه‌ها صبحانه درست می‌کنیم و من در این فرایند مهارت‌های زندگی را به آنان می‌آموزم. شب یلدا دانش‌آموزان خودشان سفره‌ی شب یلدا چیدند و لباس محلی پوشیدند.

آموزش رایانه در کلاس: لپ تاپ خود را به کلاس می‌آورم، نحوه‌ی کار با رایانه را به دانش‌آموزان می‌آموزم و برایشان فیلم‌های آموزشی نمایش می‌دهم.

حال و هوای کلاس آقای سلطانی

- کلاس من بانشاط و شاد است و دانش‌آموزانم در آن احساس راحتی می‌کنند و محیط کلاس را محیط روستا می‌دانند. اگر در کلاس دانش‌آموزی احساس ترس داشته باشد تدریس نمی‌کنیم.
- اخلاق حرفه‌ای در کلاس من حاکم است. بچه‌ها با هم همکاری می‌کنند. دانش‌آموزان در قبال یادگیری خودشان و دیگران احساس مسئولیت می‌کنند.
- سعی می‌کنم تدریس را به زندگی واقعی وارد کنم: برای مثال، در بحث آموزش حجم، بعد از تدریس مبحث حجم در کلاس، از دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم خواستم به اتاقی که تانکر سوخت در آن قرار دارد بروند و حجم تانکر را اندازه بگیرند و بگویند فردا که برای سوخت‌رسانی تانکر به مدرسه می‌آیند، چند لیتر سوخت نیاز داریم. این فعالیت را طراحی کردم تا یادگیری دانش‌آموزان عمیق و واقعی شود. همچنین، از آن‌ها خواستم هزینه‌ی سوخت را حساب کنند و بگویند سهم هر دانش‌آموز از آن چقدر می‌شود. چون هزینه‌ی سرانه‌ی دانش‌آموزی کافی نیست و دانش‌آموزان خودشان با کمک معلم هزینه‌ی سوخت را می‌پردازند.



- من چون معلم چند پایه هستم و تعداد دانش‌آموزانم کم است، دانش‌آموزان پایه‌های مختلف را کنار هم می‌نشانم. کلاس را به دو قسمت تقسیم کرده‌ام: یک قسمت مخصوص کارهای هنری، آزمایش‌های درس علوم و ریاضی است. قسمت دیگر هم جای نشستن بچه‌ها و نیمکت‌هاست که آن‌ها را روبه‌روی هم چیده‌ام. پیش دبستان و پایه‌ی اول را روبه‌روی هم قرار داده‌ام. پایه‌ی دوم کنار پایه‌ی اول. پایه‌ی پنجم و ششم هم روبه‌روی هم هستند. یک صندلی هم در کنار صندلی خودم گذاشته‌ام تا هر دانش‌آموزی را که لازم می‌دانم کنار خودم بنشیند.

همکاران و همراهان

بنده از جناب آقای یاراحمدی که در سال‌های ابتدایی خدمتم با ایشان آشنا شدم و تجربه‌هایشان را در اختیار من قرار دادند، تشکر می‌کنم. پیشنهاد من به نظام تعلیم و تربیت این است که در سازمان‌دهی منابع انسانی جدید، معلمان تازه‌کار را در کنار معلمان باتجربه قرار دهند تا معلم تازه‌کار بیشتر بیاموزد؛ به‌خصوص معلمانی که اولین بار وارد کلاس چند پایه می‌شوند. من هرروز به سایت‌های آموزشی و وبلاگ خودم سر می‌زنم تا ببینم مطلب آموزشی جدیدی هست یا نه. بعد از ظهرها هم کتاب‌های آموزشی را مطالعه می‌کنم. سالی که در اداره بودم، مجلات رشد را که از استان می‌آمدند مطالعه می‌کردم. خودم هم مقاله نوشته‌ام.



از کلاس برو بیرون!

مشکلات را به وجود می‌آورد. وظیفه‌ی معلم نه تنها پیدا کردن راهی است که هر دانش‌آموز را به یادگیری تشویق کند، بلکه شناخت و از بین بردن عواملی است که باعث بروز رفتار نامناسب می‌شوند.

برای حل مشکل علی سعی کردم عوامل مشکل‌ساز را شناسایی و نسبت به رفع آن‌ها اقدام کنم. بنابراین، به نیازهای جسمی، عاطفی و روانی او بیشتر توجه کردم. فرصتی ایجاد کردم که علی بتواند به رفتارهای نامناسب خود فکر کند. هیچ‌گاه او را تنبیه بدنی، تحقیر یا مقایسه نکردم. در کلاس خود از مهارت‌های ارتباطی مانند گوش دادن، ابراز وجود، حل مسئله و تصمیم‌گیری استفاده کردم. چندین جلسه با علی حرف زدم و به مسائل او گوش دادم. در هنگام تدریس

اولین سال معلمی خود را در مدرسه‌ای در یک محله‌ی شلوغ و پرجمعیت آغاز کردم. ۴۵ دانش‌آموز پسر پایه‌ی چهارم در کلاس خود داشتم. یکی از دانش‌آموزانم به نام علی، باهوش اما خیلی شلوغ بود. در کلاس زیاد و بدون فکر حرف می‌زد و نمی‌توانست خشم خود را کنترل کند.

عادت داشتم دانش‌آموزانم را با اسم کوچک مورد خطاب قرار دهم تا هم نام آن‌ها را بیاموزم و هم رابطه‌ای دوستانه با آن‌ها برقرار کنم. متأسفانه وقتی از علی سؤالی می‌پرسیدم، سطحی پاسخ می‌داد. اگر به او می‌گفتم پاسخ اشتباه است، عصبانی می‌شد و شروع به سروصدا و پرخاشگری می‌کرد. ماه اول سعی کردم او را در بحث‌های کلاس شرکت دهم. گاهی نیز او را به سکوت ترغیب می‌کردم تا به کلاس و درس توجه کند. اما مشکل همچنان باقی بود. در طول سال‌های تحصیلی گذشته، علی مشکلات زیادی را تحمل کرده بود. او مدام به دفتر مدرسه فرستاده شده بود، به حالت تعلیق از مدرسه درآمده یا به اجبار روزهایی را در خانه سپری کرده بود. این اتفاقات مشکل او را شدیدتر کرده بودند. هر روز رفتارش بدتر از قبل می‌شد. خشم علی همواره کلاس

را به هم می‌ریخت. وقتی او در کلاس نبود، کلاس آرام بود و می‌توانستم فعالیت‌های زیادی را در کلاس انجام دهم. اما بالاخره دوباره به کلاس برمی‌گشت و همان

و انجام فعالیت‌های کلاسی، به علی فرصت‌هایی را برای نشان دادن خود به هم‌کلاسی‌هایش دادم. با والدین او صحبت کردم و خواستم او را به باشگاه ورزشی یا کلاس‌های هنری ببرند تا بتواند خود را تخلیه کند. در منزل، تا جایی که می‌توانند، به او فرصت ابراز اعمال کودکانه را بدهند. از مشاور مدرسه خواستم در جلساتی رفتار پرخاشگرانه‌ی علی را ریشه‌یابی کند. خودم هم به او اجازه دادم هر موقع احساس کرد عصبانی یا خشمگین است، دقایقی از کلاس خارج شود تا عصبانیتش فروکش کند و بعد به کلاس برگردد.

به کارگیری این روش‌ها خیلی تأثیر داشت و رفتار علی را بسیار تغییر داد. او دیگر به صحبت‌های من و هم‌کلاسی‌هایش گوش می‌داد و در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کرد. دادن قدرت ترک کلاس به علی، به او نشان داد حق انتخاب دارد که چگونه رفتار کند.



تقریب زدن اعداد
و خطای تقریب

«جمعیت ایران هشتاد میلیون نفر است»؛ «تولید سالانه‌ی سیب یک باغ ۳۴۰۰ کیلوگرم است»؛ «فاصله‌ی تهران تا اصفهان ۶۰۰ کیلومتر است».

این جمله‌ها و مشابه آن‌ها را هر روز یا می‌شنویم یا می‌گوییم. اما معنی عددهایی که در این جمله‌ها بیان می‌شوند چیست؟ آیا دقیقاً هشتاد میلیون نفر در ایران زندگی می‌کنند؟ یا درست ۳۴۰۰ کیلو سیب از آن باغ به‌دست آمده است؟

اعداد تقریبی و تخمین
(بخش نخست)

در کتاب‌های درسی ریاضی دوره‌ی ابتدایی موضوع‌هایی هستند که یا دانش‌آموزان در یادگیری آن‌ها مشکل دارند یا معلمان در یاددهی آن‌ها. در این دوره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، در هر شماره، درباره‌ی یکی از آن‌ها صحبت می‌کنیم. قصد نداریم در اینجا روش تدریس بیان کنیم، بلکه آن را به‌عنوان یک موضوع یا مفهوم ریاضی بررسی خواهیم کرد تا دانش موضوعی خود را برای تدریس بهتر آن افزایش دهیم.

موردنظر داشته باشیم و هم باید بزرگی اعداد را درک کنیم. توانایی «تخمین» یکی از توانایی‌های فرایندی در ریاضیات است که نه تنها در اصول و استانداردهای آموزشی بسیاری از کشورها، که در برنامه‌ی درسی ملی ایران نیز بر آن تأکید شده است. در برنامه‌ی درسی ملی ایران، در بخش مربوط به قلمرو حوزه‌ی ریاضیات، از تخمین زدن و دقت یافتن به‌عنوان دو فرایند از فرایندهای ریاضی نام برده شده است که دانش‌آموزان باید با آن‌ها آشنا شوند و در آن‌ها مهارت یابند.

در این مطلب

- با مفهوم تقریب زدن آشنا می‌شویم.
- انواع روش‌های تقریب را مرور می‌کنیم.

و در شماره‌ی بعد

- با تخمین در انجام چهار عمل اصلی اعداد صحیح و اعشاری آشنا می‌شویم.
- روند آشنایی دانش‌آموزان را با تخمین در شش کتاب ریاضی دوره‌ی ابتدایی مرور می‌کنیم.
- در لایه‌لای این مطالب بعضی موضوعات مرتبط با آموزش تخمین و تقریب را نیز می‌خوانید.

در زندگی روزمره ناچاریم محاسباتی انجام دهیم. برای مثال:

- قیمت کالای پس از تخفیف چقدر است؟
- پس از چند خرید، آیا موجودی کارتمان برای خرید بعدی کافی است؟
- با توجه به کیفیت و وزن و قیمت هر ماده‌ی غذایی، خرید آن از کدام فروشگاه به صرفه‌تر است؟

بیشتر این محاسبات با دخل و خرج ما و قیمت‌ها مرتبط هستند و معمولاً آن‌ها را با راهبردهای محاسبات ذهنی انجام می‌دهیم. در بسیاری موارد، اصلاً به محاسبه‌ی دقیق و یافتن مقدار دقیق مورد نظر نیاز نداریم و همین که تقریب خوبی از پاسخ داشته باشیم، برای ما کافی است. بنابراین، محاسبات را تخمینی انجام می‌دهیم. علاوه بر تخمین در محاسبات، گاهی باید اندازه‌های چیزهایی را تخمین بزنیم. برای مثال:

- زمان لازم برای انجام یک کار؛
- وزن یک بسته؛
- طول یک شیء؛
- فاصله‌ی دو نقطه.

در این موارد نیز اندازه‌ها را به‌صورت تخمینی به دست می‌آوریم و برای اینکه بتوانیم تخمین‌های مناسبی بزنیم، هم باید درک درستی از واحد اندازه‌گیری

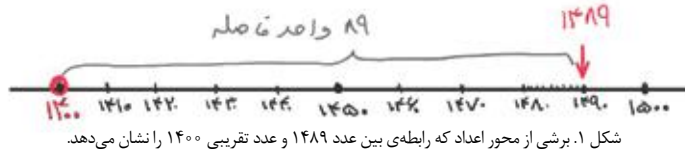


روش‌های تقریب زدن

دو روش برای تقریب زدن عددها وجود دارد: قطع کردن؛ گرد کردن.

۱. قطع کردن عدد

در تقریب به روش قطع کردن، از بعضی رقم‌های عدد اصلی صرف‌نظر می‌کنیم. انگار داریم عدد را می‌بریم. مثلاً محصول امسال باغ سیبی ۱۴۸۹ کیلوگرم است. ممکن است برای حمل سیب‌ها با کامیون، دانستن مقدار دقیق آن‌ها در حد زیر صد کیلوگرم نیاز نباشد. در این صورت می‌گوییم محصول باغ تقریباً ۱۴۰۰ کیلوگرم است. درواقع، از مقدار رقم‌های مرتبه‌های یکان و دهگان که از صد کوچک‌تر هستند، صرف‌نظر می‌کنیم. به این ترتیب، اختلاف مقدار واقعی از مقدار تقریبی $1489 - 1400 = 89$ است و ۸۹ از ۱۰۰ (دقت تقریب) کوچک‌تر است. بد نیست روی محور اعداد حقیقی نیز به این عددها نگاهی بیندازیم:



این موضوع در حالت کلی نیز برقرار است: یعنی اگر بخواهیم عددی را با تقریب کمتر از 10^n (یعنی ۱ که 10^0 تا صفر جلایش است) تقریب بزنیم، باید از مقدار رقم‌هایی که ارزش مکانی آن‌ها از 10^n کوچک‌تر است، صرف‌نظر کنیم. درواقع آن رقم‌ها را برمی‌داریم و به جایشان صفر می‌گذاریم. مثال‌های زیر را ببینید:

مثال ۱. هر عدد با تقریب خواسته شده قطع شده است:

۵۳۸ با تقریب کمتر از ۱ برابر است با خود ۵۳۸

۲۶ با تقریب کمتر از ۱۰ برابر است با ۲۰

۷۴۵۶۳ با تقریب کمتر از ۱۰۰ برابر است با ۷۴۵۰۰

۹۸ با تقریب کمتر از ۱۰۰ برابر است با ۰

۷۴۵۶۳ با تقریب کمتر از ۱۰۰۰۰ برابر است با ۷۰۰۰۰

در مورد اعداد اعشاری نیز دقیقاً همین‌طور است:

۴۵/۱۶۷۴ با تقریب کمتر از یک‌هزارم برابر است با ۴۵/۱۶۷

با تقریب کمتر از یک‌صدم برابر است با ۴۵/۱۶

با تقریب کمتر از یک‌دهم برابر است با ۴۵/۱

با تقریب کمتر از ۱ برابر است با ۴۵

با تقریب کمتر از ۱۰ برابر است با ۴۰

با تقریب کمتر از ۱۰۰ برابر است با ۰.

با انواع تخمین آشنا شوید

تخمین در اندازه: یعنی بدون اندازه‌گیری دقیق، اندازه‌ی مورد نظر را به صورت تقریبی بیان کنیم. مانند طول یک اتاق، یا وزن یک بسته یا زمان رسیدن به یک محل.

تخمین در تعداد: یعنی بدون شمارش دقیق، تعداد اعضای یک مجموعه را بیان کنیم. مانند تخمین تعداد دانش‌آموزان یک کلاس یا تعداد میوه‌های داخل یک ظرف.

تخمین در محاسبات: یعنی بدون انجام محاسبات دقیق، حاصل یک عبارت را به دست آوریم.

برای آشنایی بیشتر با تخمین، مطلب شماره‌ی بعد مجله را نیز مطالعه کنید.

یا از تهران تا اصفهان درست ۶۰۰ کیلومتر راه است؟ قطعاً پاسخ همه‌ی این سؤالات «خیر» است. این عددها مقدارهای تقریبی جمعیت، تولید سیب و فاصله هستند، نه مقدار دقیق آن‌ها. حال این سؤال مطرح می‌شود که مقدار دقیق با مقدار تقریبی چقدر اختلاف دارد؟ یعنی میزان خطا در این تقریب‌ها چقدر است؟ برای اینکه بتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم، باید بدانیم این اعداد تقریبی از روی اعداد اصلی چگونه به‌دست آمده‌اند و دقت تقریب چقدر بوده است؟





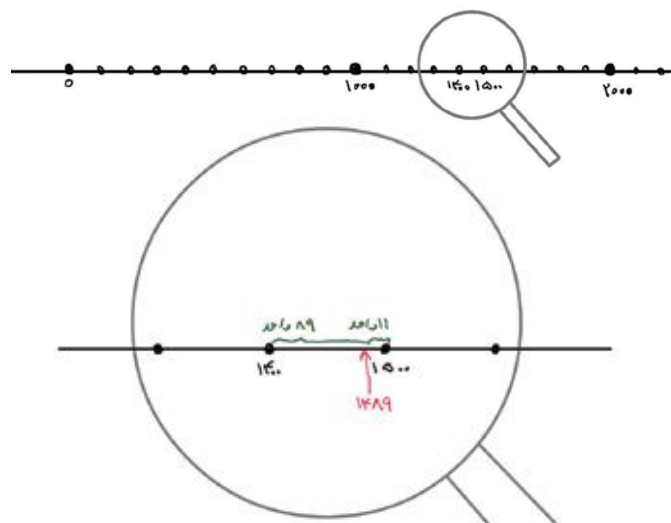
توجه کنید که در قطع کردن اعداد:

- عدد تقریبی همیشه از عدد اصلی کوچک‌تر است. به همین دلیل، گاهی اصطلاحاً می‌گوییم اعداد را با «تقریب نقصانی» تقریب زده‌ایم.
- اختلاف عدد اصلی با عدد تقریبی از دقت تقریب کوچک‌تر است.
- دقت تقریب، توانی از ۱۰ است و با ارزش‌های مکانی اعداد متناظر است.
- باید ارزش مکانی را به خوبی بشناسیم.

روش‌های تقریب زدن

۲. گرد کردن عدد

بار دیگر به داستان باغ سیب برگردیم. محصول یک سال این باغ ۱۴۸۹ کیلوگرم بود، ولی ما برای راحتی کار و اینکه در عمل نیازی به دانستن مقدار دقیق وزن سیب‌ها تا زیر صد کیلوگرم نداشتیم، از ۸۹ کیلوگرم صرف‌نظر کردیم و محصول باغ را ۱۴۰۰ کیلوگرم اعلام کردیم. اما ته ذهنمان این موضوع هست که گرچه ۸۹ کیلوگرم از ۱۰۰ کیلوگرم کمتر است و احتمالاً در کار ما تأثیری نخواهد داشت، ولی این مقدار خیلی به ۱۰۰ نزدیک است. در واقع، از روی محور اعداد معلوم است که ۱۴۸۹ به ۱۵۰۰ نزدیک‌تر است تا به ۱۴۰۰. شکل زیر را ببینید:



شکل ۲. محور اعداد حقیقی که روی آن فاصله‌ی بین عدد ۱۴۸۹ و اعداد ۱۴۰۰ و ۱۵۰۰ را نشان داده‌ایم. این محور ۱۰۰ تا ۱۰۰ تا قسمت‌بندی شده است، زیرا در مثال باغ سیب، دقت تقریب عدد ۱۰۰ بود و عددهایی که در هر قسمت هستند، فاصله‌شان تا دو سر آن قسمت از ۱۰۰ واحد کمتر است.

در بسیاری از مسئله‌های عملی و واقعی، از روش دیگری برای تقریب زدن استفاده می‌شود که خطای آن در مواردی کمتر از خطای روش قطع کردن است. این روش به گرد کردن معروف است و ما گاهی حتی در صحبت‌های عادی‌مان نیز به درست یا غلط، از اصطلاح «فلان عدد را گردش کن» استفاده می‌کنیم. اکنون ببینیم در روش گرد کردن چگونه عدد تقریبی از عدد اصلی به دست می‌آید؟

برای تقریب زدن عدد ۱۴۸۹، دقت ۱۰۰ واحد در نظر می‌گیریم. یعنی عددی که به صد نزدیک‌تر باشد. ۱۴۸۹ نزدیک‌تر به ۱۵۰۰ است تا ۱۴۰۰. پس تقریب ۱۴۸۹، ۱۵۰۰ است. اختلاف عدد اصلی با عدد تقریبی، ۱۱ واحد است. این اختلاف را می‌توانیم به صورت درصد هم بنویسیم. $\frac{11}{1489} \approx 0.7\%$ یعنی تقریب ۱۴۸۹، ۰.۷ درصد از عدد اصلی کمتر است.

• گرد شده: ۳۶۷، تقریب گرد شده ۱۰، می‌شود ۳۷۰. چون اگر گرد را ۱۰ تا شصت‌بندی کنیم، ۳۶۷ بین ۳۶۰ و ۳۷۰ می‌افتد. و ۳۶۰ نزدیک‌تر است چون از ۳۶۷ که وسط آن می‌افتد، فاصله‌اش به ۷ واحد است.

تقریب به نزدیک‌ترین:

• با همان روش گرد کردن عدد ۱۴۸۹، تقریب گرد شده ۱۵۰۰، آنقدریم را دنبال می‌کنیم.

۱. نصف تقریب را دست می‌آید.

$$100 : 2 = 50$$

۲. آن را به عدد صد تقسیم می‌کنیم.

$$1489 : 10 = 148.9$$

۳. عدد حاصل را به همان تقریب، قطع می‌کنیم.

$$148.9 \rightarrow 150$$

• تقریب گرد شده: ۱۵۰۰

• حالا این تقریب دست می‌آید؟

به سؤال‌های زیر فکر کنید:

۱. عدد ۱۸۹۸۱ را با تقریب کمتر از صد، یک‌بار قطع کنید. یک‌بار گرد کنید. دو عدد تقریبی به‌دست‌آمده را با هم مقایسه کنید. چه توضیحی دارید؟
۲. عدد ۱۹۸/۹۸۱ را با تقریب کمتر از یک‌صدم، یک‌بار قطع کنید و یک‌بار گرد کنید. دو عدد تقریبی به‌دست‌آمده را با هم مقایسه کنید. چه توضیحی دارید؟
۳. عددی را با تقریب کمتر از ۱۰۰، یک‌بار قطع کردیم. یک‌بار گرد کردیم. بیشترین اختلاف این دو عدد تقریبی چه می‌تواند باشد؟ چرا؟
۴. عددی را با تقریب کمتر از ۱۰۰ قطع کردیم، عدد ۱۷۰۰ به دست آمد. آن عدد چیست؟ چرا؟
۵. عددی را با تقریب کمتر از ۱۰۰ گرد کردیم، عدد ۱۷۰۰ به دست آمد. آن عدد چیست؟ چرا؟

ادامه‌ی این مطلب را که در آن با تخمین در محاسبات آشنا می‌شوید، در شماره‌ی بعد مجله بخوانید.



اکنون مثال‌های زیر را ببینید:

مثال ۲. هر عدد با تقریب خواسته‌شده گرد شده است:

۵۳۸ با تقریب کمتر از ۱ برابر است با خود ۵۳۸

۲۶ با تقریب کمتر از ۱۰ برابر است با ۳۰

۷۴۵۶۳ با تقریب کمتر از ۱۰۰ برابر است با ۷۴۶۰۰

۹۸ با تقریب کمتر از ۱۰۰ برابر است با ۱۰۰

۷۴۵۶۳ با تقریب کمتر از ۱۰۰۰۰ برابر است با ۷۰۰۰۰

در مورد اعداد اعشاری نیز دقیقاً همین‌طور است:

۴۵/۱۶۷۴ با تقریب کمتر از یک‌هزارم، برابر است با ۴۵/۱۶۷

با تقریب کمتر از یک‌صدم، برابر است با ۴۵/۱۷

با تقریب کمتر از یک‌دهم برابر است با ۴۵/۲

با تقریب کمتر از ۱ برابر است با ۴۵

با تقریب کمتر از ۱۰ برابر است با ۵۰

با تقریب کمتر از ۱۰۰ برابر است با ۰.

پاسخ سؤاها

۱. در گرد کردن، چون رقم دهگان ۸ و از ۵ بزرگ‌تر است، پس از قطع کردن ۸۱، یک واحد به رقم صدگان یعنی ۹ اضافه می‌شود. منتها نمی‌توانیم در این مرتبه ۱۰ بنویسیم. بنابراین، یک واحد به مرتبه‌ی بعد، یعنی یکان هزار، اضافه می‌شود و به ۹ تبدیل می‌شود و حاصل، ۱۹۰۰۰ است. قطع شده‌ی آن ۱۸۹۰۰ است.
۲. در گرد کردن، چون رقم یک‌هزارم، ۱ است و از ۵ کمتر است، پس بعد از قطع کردن ۱، رقم صدم تغییری نمی‌کند و ۱۹۸/۹۸ به دست می‌آید. قطع شده‌ی عدد نیز همین ۱۹۸/۹۸ خواهد بود.
۳. بیشترین اختلاف این دو تقریب ۱۰۰ واحد است. چون اگر گرد شده‌ی آن به عدد بالایی باشد، قطع شده‌اش هم که عدد پایینی است و در تقریب با دقت ۱۰۰، این دو عدد ۱۰۰ واحد فاصله دارند. روی محور اعداد برای خود ترسیم کنید و ببینید. شکل ۲ نیز در درک این موضوع به شما کمک می‌کند.
۴. از ۱۷۰۰ تا ۱۷۹۹. دلیل را شما بگویید.
۵. از ۱۶۵۰ تا ۱۷۵۰. دلیل را شما بگویید.

توجه کنید که در گرد کردن اعداد:

- عدد تقریبی گاهی از عدد اصلی کوچک‌تر است و گاهی بزرگ‌تر.
- دقت تقریب، توانی از ۱۰ است و با ارزش‌های مکانی اعداد متناظر است.
- اختلاف عدد اصلی با عدد تقریبی از دقت تقریب کوچک‌تر است.
- خطای تقریب کمتر یا برابر با خطای تقریب در روش قطع کردن است.
- باید ارزش مکانی را به خوبی بشناسیم و بتوانیم روی محور اعداد حقیقی جایگاه اعداد را نسبت به یکدیگر تعیین کنیم.

آموزش مهارت ارتباط مؤثر

هر کلاسی از دانش‌آموزانی با ویژگی‌های ارتباطی متفاوت تشکیل شده است. بعضی از دانش‌آموزان خیلی کم حرف و گوشه‌گیر هستند. بعضی خیلی اهل گفت‌وگو و معاشرتی‌اند. بعضی هیچ دوستی ندارند و برخی دوستان زیادی اطراف خود جمع کرده‌اند. الگوهای ارتباطی افراد از همان دوران کودکی متفاوت است، اما مهم این است که الگوی درست «ارتباط مؤثر» را از دوران کودکی فراگیریم. منظور از آموزش مهارت ارتباط مؤثر این است که ارتباطات میان‌فردی و اجتماعی کودک را در مسیر بهبود قرار دهیم. به او کمک کنیم روابط دوستانه و صمیمانه برقرار کند و از دوستی‌ها و روابط مخرب فاصله بگیرد.



و شادمان باشیم. برای آنکه آموزش شما جذاب‌تر باشد، می‌توانید از یک دانش‌آموز بخواهید داوطلبانه در اجرای نمایشی شما را همراهی کند. از دانش‌آموز داوطلب بخواهید جلوی دیگران شروع کند به گفت‌وگو با شما. راجع به هر چه که دوست دارد با شما صحبت کند. حین صحبت او سعی کنید الگوی اشتباهی را به اجرا بگذارید. برای مثال حواس‌پرتی کنید. درست گوش ندهید. این سمت و آن سمت را نگاه کنید. حالا از دانش‌آموزان دیگر بخواهید اشتباه ارتباطی شما را بگویند. برای دانش‌آموزان توضیح دهید که خوب گوش کردن از اولین راه‌های ایجاد ارتباط خوب است. وقتی کسی صحبت می‌کند، باید به او توجه کنیم. به آنچه می‌گوید و به حرکات بدنی او. به احساسی که موقع صحبت کردن نشان می‌دهد، مثلاً خوش‌حالی یا ناراحتی، آرامش یا نگرانی. برای اینکه به گوینده نشان دهیم به او توجه می‌کنیم، باید کارهایی انجام دهیم. برای مثال به او نگاه

در همین راستا، به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم که بخش بزرگ و بسیار مهم زندگی ما در ارتباطاتمان سپری می‌شود. پس باید بلد باشیم کجا و چطور احساساتمان را بیان کنیم، نظراتمان را بگوییم و از دیگران همراهی یا کمک بخواهیم. هنگامی که دانش‌آموزان از مهارت‌های ارتباط با دیگران آگاه می‌شوند، می‌توانند به رفتار خود یا حتی اطرافیانشان دقت و آن را اصلاح کنند. کودکان نیاز دارند در جامعه‌ی امروز، که هر لحظه در حال تغییر است، به ابزار قدرتمند ارتباطات اجتماعی مجهز باشند. آموزش مهارت‌های اساسی ارتباطی روی هوش هیجانی تأثیر مستقیم دارد و تغییرات مثبتی در جایگاه اجتماعی و انتخاب‌های کودک ایجاد می‌کند. برای آموزش مهارت ارتباط مؤثر در ابتدا باید برای دانش‌آموزان خود «اهمیت ارتباطات در زندگی» را توضیح دهید؛ اینکه ما موجوداتی اجتماعی هستیم و هیچ‌کدام نمی‌توانیم در تنهایی و انزوا و دوری از روابط اجتماعی خوشبخت

کنیم. گاهی از بین حرف‌های او سؤال بپرسیم و سرمان را تکان دهیم. حال، از دانش‌آموزان بخواهید در گروه‌ها «خوب گوش کردن» را تمرین کنند. فعالیت گروهی آن‌ها را نظاره و در صورت لزوم اصلاح کنید. گروه‌های دو یا سه نفره تشکیل دهید و از دانش‌آموزان بخواهید درباره‌ی موضوعی که دوست دارند صحبت کنند. مثلاً خاطره‌ای را تعریف کنند یا در مورد برنامه‌ها و آرزوهایشان حرف بزنند. نکته‌ای که حتماً باید به دانش‌آموزان توضیح داده شود، «تعادل در صحبت کردن» است. در ارتباط مؤثر، همان‌طور که شنونده وظایفی دارد، گوینده هم در صحبت کردن باید نکاتی را رعایت کند. ما به‌عنوان گوینده نباید خیلی طولانی صحبت کنیم. نباید به احساس شنونده بی‌توجه باشیم. مثلاً گاهی شنونده خیلی خوش‌حال است و شاید صحبت کردن درباره‌ی موضوعات تلخ و غم‌انگیز برای



نکته‌ی مهم

مهارت‌های زندگی با تمرین کسب می‌شوند. صحبت کردن، به تنهایی، تأثیر زیادی در ایجاد مهارت ندارد. مهارت‌ها باید با روش‌هایی مثل نمایش یا موقعیت‌های خاص تمرین شوند.

برای دانش‌آموزان توضیح دهید که گاهی باید بدون عصبانیت و همراه با کنترل خشم، «مخالفت» کنیم. بلکه باید بگوییم «نه».

یک نمونه مکالمه را برای دانش‌آموزان به نمایش بگذارید. مثلاً از داوطلبی بخواهید درباره‌ی بازی در هوای گرم تابستان به شما پیشنهاد بدهد. شما می‌توانید این‌گونه پاسخ دهید:

درست می‌گی. آب بازی توی هوای گرم تابستون واقعا می‌چسبه. اما خیلی کم‌آبی هست. نمی‌شه آب‌بازی کنیم. باید حسابتی توی مصرف آب صرفه‌جویی کرد. چطوره یه روز با هم بریم استخر؟ این‌طوری بیش‌ترم خوش می‌گذره.

از دانش‌آموزان بخواهید «مخالفت کردن بدون تنش و عصبانیت» را در گروه‌هایشان تمرین کنند.

در شماره‌ی بعد، مهارت دیگری از مهارت‌های زندگی را بررسی می‌کنیم.

کردن‌هایشان را بازگو کنند. برای دانش‌آموزان روشن کنید در مکالمه و گفت‌وگوها نیز می‌توان همدلی کرد. لازم نیست همه‌ی حرف‌های گوینده را قبول داشته باشیم، اما مهم است که قضاوت نکنیم. باید به حرف‌های گوینده گوش کنیم و به سرعت قضاوت نکنیم یا مثلاً نگوئیم چه کار بدی انجام دادی یا حرفت زشت بود، بلکه باید به احساس گوینده توجه داشته باشیم. نکته‌ی آخر که بسیار اهمیت دارد و بسیاری از کودکان و حتی بزرگسالان نمی‌دانند یا بلد نیستند، «مخالفت کردن» است. بسیاری از افراد، به‌خصوص خجالتی‌ها و کسانی که اعتمادبه‌نفس پایینی دارند، تصور می‌کنند در گفت‌وگو با ارتباط هرگز نباید مخالفت کنند.

این کاملاً اشتباه است. همه‌ی ما انسان‌هایی هستیم با افکار و عقاید و شرایط خاص خود. همه‌ی ما نمی‌توانیم همیشه و همه جا با هم موافق باشیم.

او جالب نباشد و ناراحتش کند یا تصور کنید مخاطب ما خیلی نگران و مضطرب است. پس، حرف زدن درباره‌ی مسائلی که او را نگران‌تر می‌کند درست نیست. این نکات را برای دانش‌آموزان توضیح دهید و فرصت دهید در گروه‌هایشان صحبت کنند و ارتباط برقرار کنند. سعی کنید دانش‌آموزانی را که چندان با هم صمیمی نیستند، در یک گروه قرار دهید. این شرایط موقعیتی را ایجاد می‌کند تا آن‌ها اعتمادبه‌نفس برقراری ارتباط با افراد دورتر را نیز تجربه کنند. مهارت دیگری که می‌توانید در مورد ارتباط مؤثر به آن اشاره کنید، «مهارت همدلی» است. از بچه‌ها بخواهید همدلی را تعریف کنند. مطمئن باشید پاسخ‌های جالبی می‌شنوید که اتفاقاً اغلب آن‌ها درست هستند. به زبان ساده توضیح دهید که «همدلی» به معنای درک کردن دیگران و کمک به آن‌هاست. از آن‌ها بخواهید چند نمونه از همدلی

زیباتر باشیم

در ساعاتی استراحت بین کلاس‌ها، بارها با همکارانمان در مورد شادابی پوست، چگونگی از بین بردن جای جوش صورت و یا راه‌های سفید شدن دندان‌ها صحبت کرده‌ایم. البته بیشترین گفت‌وگوها درباره‌ی زیبایی و تناسب اندام بین آموزگاران خانم جریان دارد، اما آموزگاران آقا هم باید به زیبایی و تناسب اندام خود توجه داشته باشند. در نتیجه، همه‌ی ما باید به زیبایی ظاهری خودمان فکر کنیم. زیبا بودن، علاوه بر اینکه یکی از پایه‌ای‌ترین آداب و اخلاق اجتماعی است، در ارتباط‌گیری دانش‌آموزان با ما به عنوان معلم نیز تأثیر بسیار زیادی دارد. بعضی افراد معتقدند برای داشتن ظاهر زیبا نباید سراغ راه‌های غیرطبیعی و درمان‌های مصنوعی رفت. در این باره باید چه کنیم؟ در این جزوه‌ی مختصر، یادداشتی درباره‌ی ارتباط تغذیه با زیبایی می‌خوانیم. از ورزش کردن برای زیباتر شدن کمک می‌گیریم و پای صحبت‌های یک دندان‌پزشک در زمینه‌ی جراحی‌های زیبایی فک و دندان می‌نشینیم. چاشنی این جزوه، خاطره‌ای بامزه در مورد معلمی دوست‌داشتنی در دوران دبستان است.

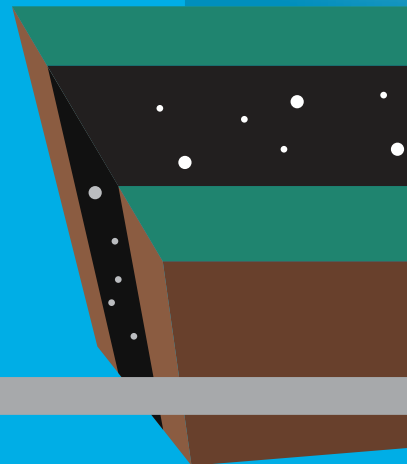


آقای ارضی آموزگار زمینی

دوره‌ی ابتدایی معلمی داشتیم که از همه‌ی معلم‌های دیگر چاق‌تر بود. آقای ارضی آموزگار کلاس پنجم بود و هیچ‌وقت هم نشد که آموزگار ما باشد. ولی چه کسی بود که در تمام مدرسه و شاید هم منطقه، آقای ارضی را نشناسد؟ او مثل شخصیت‌های کارتونی کاملاً گرد و دایره‌ای شکل بود. نکته‌ی مهم اینجاست که بچه‌ها متوجه شده بودند کمی هم به یک سمت کج است. انگار وقتی راه می‌رفت یا می‌ایستاد، کاملاً صاف نبود و شانه‌ها یا پاهایش کوتاه و بلند بودند. اگر ستون فقرات را یک محور اصلی در نظر بگیریم، محور آقای ارضی عمودی نبود و کمی انحراف داشت.

آن موقع در درس علوم درباره‌ی سیاره‌ی زمین خوانده بودیم و من ناگهان متوجه یک شباهت مهم شدم. آن قدر از این کشف خوش حال شدم که آن را برای همه‌ی بچه‌ها تعریف کردم. محور اصلی سیاره‌ی زمین کاملاً مستقیم نیست و نسبت به صفحه‌ی گردش آن در منظومه‌ی شمسی کمی انحراف دارد. پس آقای ارضی که اسمش هم تقریباً می‌شود آقای زمینی، به همین دلیل دچار انحراف شده بود.

امیدوارم این کشف من هیچ‌وقت به گوش آقای ارضی، معلم چاق کلاس پنجم مدرسه‌ی ما نرسیده باشد.





ورزش کنید تا زیبا بمانید

را نیز می‌کاهد و کم شدن استرس نیز به تنظیم هورمون‌های مربوط به آکنه و جوش کمک بسیاری می‌کند.

شفاف شدن پوست

با ورزش، خون در رگ‌های صورت به جریان می‌افتد و این موضوع باعث می‌شود صورت شفافیت بیشتری داشته باشد. ورزش به ترشح هورمون‌های شادی‌آور کمک می‌کند و علاوه بر آن، تنفس سریع حاصل از آن، پوست را اکسیژنه و سالم می‌کند. هم‌ه‌ی این موارد در کنار هم به شفاف شدن پوست کمک می‌کنند.

سلامت مو

ورزش کردن باعث می‌شود پوست سر نیاز بیشتری به تغذیه داشته باشد. همچنین، جریان خون در پوست سر بیشتر شود و مو و فولیکول‌هایش سالم‌تر بمانند. این فرایند، خون اکسیژنه‌شده را به موها می‌رساند و آن‌ها را بیش از پیش قوی می‌کند.

کم نیستند افرادی که از باشگاه و فعالیت‌های ورزشی خوششان نمی‌آید، اما به محض اینکه از کم کردن وزن و تناسب اندام صحبت می‌شود، اولین و در واقع بهترین روشی که از آن سراغ می‌گیرند، ورزش کردن است. شاید به نظر خیلی از افراد تنها فایده‌ی ورزش کردن کم کردن وزن و لاغری است، اما باید بدانید که ورزش کردن تأثیر مثبت قابل توجهی بر زیبایی دارد. بله زیبایی! ورزش کردن را می‌توان یکی از مؤثرترین روش‌هایی دانست که در داشتن پوست سالم، موی سالم و به طور کلی زیبایی ظاهری مؤثر است. در این جا برخی از تأثیرات ورزش بر زیبایی را بررسی خواهیم کرد:

کم شدن جوش‌های صورت

ورزش، روش خوبی برای راحت شدن از شر آکنه است. ورزش نه تنها به افزایش جریان خون در صورت کمک می‌کند بلکه عرق کردن حاصل از آن به باز شدن حفره‌های روی پوست و خروج چربی و چرک از منافذ پوست می‌انجامد. این فرایند کمک می‌کند پوست کمتر به آکنه دچار شود. ورزش استرس

ماهیه‌های هسته‌ای، باسن، همسترینگ و سینه. هرچه این ماهیه‌ها تقویت شوند، اندام شکل مناسب‌تری پیدا خواهد کرد. برای داشتن اندامی متناسب، توجه به نحوه‌ی نشستن، راه‌رفتن و ایستادن بسیار مهم است.

مقابله با استرس، عصبانیت و افسردگی

در حین ورزش، مغز مواد شیمیایی آرامش‌بخشی چون سراتونین و دوپامین آزاد می‌کند که کارشان تسکین استرس و عصبانیت است. بنابراین، ورزش می‌تواند با افسردگی مقابله کند. ورزش نه تنها به صورت طراوت و شادابی می‌بخشد، بلکه با تقویت زبان بدن، کمک می‌کند بیش از پیش زیبا به نظر برسید.

افزایش اعتماد به نفس

ورزش نه تنها از لحاظ فیزیکی، بلکه از لحاظ روحی و روانی نیز تقویت‌کننده است. پوست شفاف، وزن کم و موهای زیبا به شما احساس بهتری خواهند داد. در نتیجه اعتماد به نفستان بالا می‌رود.

رهایبی از سلولیت

سلولیت یا همان تجمع بافت چربی در نقاطی از بدن یکی از معضلاتی است که معمولاً افراد به هنگام رژیم‌های لاغری دچار آن می‌شوند و به طور کلی در رهایبی از آن ناموفق‌اند. اینجاست که ورزش نقش مهم خود را در از بین بردن سلولیت ایفا می‌کند. سلولیت ناشی از عملکرد ناقص سیستم لنفاوی است. وقتی ورزش می‌کنید، این سیستم به حالت عادی خود برمی‌گردد و رفته‌رفته سلولیت‌ها از بین می‌روند.

کم شدن چین و چروک

ورزش می‌تواند درمان طبیعی ضدپیری باشد. همان‌طور که در بالا هم گفته شد، ورزش باعث کاهش استرس و در واقع کاهش ترشح هورمون مربوط به استرس یعنی کورتیزول می‌شود. کورتیزول کلژن پوست را از بین می‌برد. کلژن پروتئینی است که پوست را لطیف و انعطاف‌پذیر می‌کند. فارغ از این، ورزش به افزایش تولید کلژن در پوست کمک می‌کند که خاصیت ترمیم‌کنندگی دارد. به این ترتیب، حتی ایجاد چین و چروک در صورت به تأخیر می‌افتد.

بهبود هضم

هضم ناقص غذا باعث ایجاد شکستگی در پوست و رنگ‌پریدگی می‌شود که باز هم ورزش راه چاره‌ی آن است. ورزش دیواره‌های شکم و ماهیه‌های روده را تقویت می‌کند تا آن‌ها بتوانند غذا را در دستگاه گوارش سریع‌تر و بهتر هضم کنند. ورزش منظم می‌تواند به جلوگیری از یبوست هم کمک کند. پیاده‌روی ساده در طول روز هم به حفظ دستگاه گوارش کمک بسیاری می‌کند.

خواب بهتر

ورزش به افزایش زمان کلی خواب کمک می‌کند. خواب مناسب از عوامل داشتن چهره‌ای زیبا به هنگام بیدار شدن است. فارغ از زیبا به نظر رسیدن، وقتی می‌خوابید، بدن هورمون رشد تولید می‌کند. هورمون رشد در ترمیم و بازسازی بافت‌های بدن نقش بسیار مهمی دارد. خواب می‌تواند در تولید کلژن پوست هم اثر بسزایی داشته باشد؛ به شکلی که تولید کلژن را تنظیم می‌کند و باعث ایجاد زیبایی و طراوت در پوست می‌شود.

مناسب شدن اندام

ورزش کردن ماهیه‌های بدن را تقویت می‌کند، به خصوص ماهیه‌هایی که حمایتی هستند مثل ماهیه‌های کمر،





آیا زیبایی معادل سلامتی است؟

تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا زیبایی را معادل سلامتی در ذهن مردم جایگزین کنند. خود پزشکان هم در مترادف قرار دادن این دو، کم بی‌تقصیر نبوده‌اند. باید گفت که وجود طرح لبخند یکسان، با نسبت‌های طلایی تعریف شده، برای همه نه لازم است و نه آن‌ها را سالم‌تر می‌کند. به عبارت صحیح‌تر، معیارهای زیبایی دندان‌پزشکی معادل سلامتی دهان و دندان شما نیستند.

سلامتی روانی و درمان‌های زیبایی دندان‌پزشکی

این درمان‌ها با افزودن اعتماد به نفس افراد در روابط انسانی، موفقیت بیشتر آن‌ها را در پی دارد. در تبلیغات رسانه‌ای هم مدام در پی تلقین این قضیه به مخاطبان هستند که آدم‌های موفق و سعادتمند از این خدمات استفاده کرده‌اند و علت موفقیت آن‌ها همان خدمات دندان‌پزشکی است. در این آگهی‌ها همیشه آدم‌های پولدار و موفق و خوش‌تیپ را می‌بینیم، اما هدف تبلیغ این تجمل و موفقیت، پولدارها نیستند، بلکه بیشتر قشر هدف این تبلیغات، آدم‌های معمولی‌تری هستند که می‌خواهند مثل

درباره‌ی درمان‌های زیبایی دندان

دندان زیبا یا سالم؟

تعداد زیادی از مراجعان من دندان‌ها یا فکشانشان را به من نشان می‌دهند و می‌پرسند آیا به درمان زیبایی یا ارتودنسی نیاز دارند یا خیر؟ پاسخ من به این قبیل سؤالات غالباً ثابت است: «خودت چه فکر می‌کنی؟» واقعیت این است که درمان زیبایی و ارتودنسی در بیشتر افراد لزوماً جنبه‌ی سلامتی (جسمی و روانی) را در برنمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، این‌ها بیشتر «خدمت» هستند تا درمان. بنابراین، در ادامه‌ی این متن برای تفکیک مواردی از درمان‌های ترمیمی با ارتودنسی (که جنبه‌ی درمانی آن‌ها بارز است)، به آن‌ها به جای درمان، «خدمات زیبایی» می‌گوییم. ناهنجاری‌های شدید دندان‌دانی - فکی که سلامتی عضلات جونده‌ی فرد را مختل می‌کنند و درمان‌های ترمیمی در افرادی که از ناهنجاری‌های شدید ظاهری و بصری دندان‌های در معرض دید رنج می‌برند، بالطبع جزو درمان‌های دندان‌پزشکی (و نه خدمات زیبایی) طبقه‌بندی می‌شوند.

زبان‌های خدمات دندان‌پزشکی با هدف زیبایی

خدمات زیبایی به آن معنا زبانی متوجه شما نمی‌کنند، اما مسائل پیرامونی آن می‌توانند دشواری‌هایی به وجود آورند. مثلاً ممکن است مجبور شوید رژیم غذایی خود را تغییر دهید. از طرف دیگر، خدمات زیبایی بلند مدت‌اند، اما همیشگی نیستند. بنابراین ممکن است دندان‌ها در طولانی مدت تغییر رنگ بدهند و نیاز به ترمیم مجدد داشته باشند. در روکشی تمام سرامیک، نسج زیادی از دندان تراش داده می‌شود. سفید کردن دندان‌ها نیز ممکن است موجب تحریک و حساسیت دندان‌ها شود. به هر حال، هر درمانی، از جمله درمان‌های زیبایی ممکن است عوارضی در پی داشته باشند. مهم این است که این عوارض و مشکلات در مقابل آنچه به دست می‌آید ناچیز باشند.

آیا خدمات زیبایی دندان‌پزشکی بد هستند؟

این خدمات بسیار با ارزش‌اند و به هیچ وجه بد نیستند. دندان‌پزشکانی هم که این خدمات را ارائه می‌کنند، هنرمندند. ارائه یا دریافت صرف این خدمات جنبه‌ی منفی ندارد. ما انسان‌ها یکبار در این دنیا زندگی می‌کنیم و حق داریم در زمان حال خوش حال باشیم. چهره‌ای را که دوست داریم داشته باشیم، غذایی را که دوست داریم بخوریم و با دندان‌هایی که دوست داریم لبخند بزنیم. بنابراین، حق طبیعی همه است که از خدمات زیبایی دندان‌پزشکی استفاده کنند، ولی هیچ کس حق ندارد برای این خدمات نیاز کاذب ایجاد کند یا آن‌ها را راه سلامتی دندان پیشنهاد کند! به عبارت بهتر، هیچ فردی، از جمله هیچ دندان‌پزشکی، حق ندارد زمانی که خودتان نیازی احساس نکرده‌اید، به شما بگوید دندان‌های زشتی دارید و بهتر است درمان زیبایی یا ارتودنسی انجام دهید! ولی شما حق دارید، در صورتی که احساس نیاز می‌کنید، از خدمات زیبایی بسیار باارزشی که از موهبت دندان‌پزشکی معاصر است، بهره‌مند شوید؛ موهبتی که در سال‌های نه‌چندان دور اجداد ما از آن محروم بودند.

چه کسی باید در مورد نیاز داشتن یا نداشتن به خدمات زیبایی مشاوره بدهد؟

طبق معیارهای دندان‌پزشکی، ممکن است درمان‌های زیبایی برای بیشتر مردم لازم باشد. بیشتر مردم می‌توانند دندان‌هایشان را از آنچه هست سفیدتر کنند، یا نامرتبی جزئی و جلو و عقب بودن‌ها را برطرف کنند. ولی واقعاً دلیلی علمی وجود ندارد که دست به این اقدام‌ها بزنند. قرار نیست دندان‌های همه هم‌رنگ و هم‌شکل باشند و از یک معیار زیبایی‌شناسانه تبعیت کنند. در مورد نیاز به خدمات صرف زیبایی، خودتان اولین و مهم‌ترین فردی هستید که تصمیم می‌گیرید. ما دندان‌پزشکان هم از نظر اخلاقی تنها باید خدمات ارائه دهیم و نه تبلیغ خدمات زیبایی. بنابراین، شاید آخرین فردی که می‌توانید در مورد نیاز به درمان زیبایی از او سؤال بپرسید، دندان‌پزشکتان باشد.

آدم‌های موفق و پولدار باشند و آگهی‌ها به آن‌ها القا می‌کنند که نشانه‌های پولدار بودن همین است. هیچ مطالعه‌ی مبتنی بر شواهدی نشان نداده است که درمان‌های زیبایی یا ارتودنسی به نیت زیبایی، موفقیت اجتماعی افراد را در پی دارد! برعکس، مطالعاتی وجود دارند که نبود ارتباط بین درمان‌های دندان‌پزشکی، سلامتی (بعد جسمی) و حتی موفقیت اجتماعی را نشان داده‌اند. بنابراین، تبلیغاتی که در مورد اثر درمان زیبایی بر موفقیت شغلی و اجتماعی صورت می‌گیرند، از اساس نادرست‌اند.

بسیاری از سیاستمداران بزرگ، هنرمندان و شخصیت‌های جهانی، از نظر دندان‌پزشک زیبایی می‌توانند از خدمات زیبایی بهره ببرند، ولی خود آن‌ها نیازی به این درمان‌ها در خود حس نکرده‌اند. موفقیتشان هم تحت تأثیر قرار نگرفته است. به خاطر داشتن دندان‌های نافرمان یا بدشکل اعتماد به نفسشان پایین نیامده و در زندگی عقب نمانده‌اند!

مواد مورد نیاز اندامها

غذای سالم و یک عمر زیبایی

خوردن غذای سالم کار مهمی در زندگی است، چرا که بدن و روح ارتباط ویژه‌ای با هم دارند و اگر از آن محافظت کنیم، حتماً از زندگی بهره‌ی بیشتری خواهیم برد. راستی چرا از منابع طبیعی با ارزش برای تقویت سلامت خود استفاده نکنیم؟ منابع طبیعی همان مواد غذایی سالم هستند.

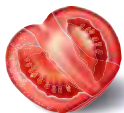
سال‌ها پیش که از مکمل‌ها، ویتامین‌ها، محصولات زیبایی و لوازم آرایشی و بهداشتی خبری نبود، مردان و زنان از مواد غذایی موجود در اطرافشان برای تغذیه و حفاظت از پوست و مو استفاده می‌کردند. در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، زنان برای آرایش از توت‌های رنگی به‌عنوان رنگ قرمز و از آب لیموی طبیعی هم برای مو استفاده می‌کردند. آب لیمو مو را درخشان می‌کرد و بوی مطبوعی به آن می‌بخشید.

امروزه به‌خاطر تنوع مواد شیمیایی و لوازم آرایشی موجود در بازار، گاهی یادمان می‌رود ابزار ساده‌تر و البته سالم‌تری هم وجود دارند. چه چیزی می‌تواند باعث زیباتر شدن شود؟ متأسفانه به جای پاسخ‌دادن به این سؤال، به‌دنبال جواب این سؤال هستیم که صورت‌های واقعی‌مان را چگونه با لوازم آرایشی بپوشانیم؟

چشم

بتاکاروتن نوعی ویتامین آ و در واقع همان رنگدانه‌ای است که به سبزی‌هایی مثل هویج رنگ نارنجی می‌بخشد. هویج ماده‌ی غذایی شناخته‌شده‌ای است که برای سلامت چشم بسیار مفید است، اما مواد غذایی دیگری هم وجود دارند که از شبکیه‌ی چشم محافظت و از بروز آب‌مروارید جلوگیری می‌کنند. برق چشم هم از جمله موهبت‌هایی است که می‌توان با خوردن اسفناج، پرتقال، توت، بادام و آب زیاد به دست آورد.

توجه کنید که در بسیاری موارد، مواد غذایی مشابه زیادی وجود دارند که کار را برای تنظیم برنامه‌ی غذایی سالم آسان‌تر می‌کنند. استفاده از مواد غذایی طبیعی و سالم باعث می‌شود هم پول کمتری خرج شود و هم از خطرات استفاده از مواد شیمیایی در امان ماند. در ادامه، آن دسته از مواد غذایی معرفی و بررسی می‌شوند که تأثیر مستقیمی بر زیبایی دارند:



• گوجه‌فرنگی

آنتی‌اکسیدان گوجه‌فرنگی خاصیت ضدآفتاب بودن طبیعی پوست را افزایش می‌دهد.



• ساردین

یکی از بهترین منابع چربی از نوع امگا ۳ به نام DHA است که خاصیت ضدالتهابی دارد. التهاب پوستی از عوامل ایجاد آکنه و جوش است و خوردن ساردین پوست سالم‌تری را نوید می‌دهد.

• چای سبز

چای سبز حاوی آنتی‌اکسیدان‌هایی است که باعث می‌شوند پوست اکسیژن بیشتری دریافت کند و خون بیشتری در پوست صورت جریان یابد.



• پوست پرتقال

لیمونن ترکیبی است که در روغن موجود در پوست مرکبات وجود دارد و دارای خاصیت حفاظت در برابر UV (پرتوهای فرابنفش) است.



• رزماری و آویشن

آنتی‌اکسیدان‌های خاص موجود در این گیاهان دارویی باعث می‌شوند رادیکال‌های آزاد خورشید قبل از آسیب‌رساندن به پوست از بین بروند.



• آب

آب، علاوه بر هیدراته (آبدار بودن) نگه داشتن پوست شما، با جذب قند اضافی در خون که یکی از دلایل چین و چروک پوست است، مانع پیری زودرس پوست می‌شود.



• مو و ناخن

یکی از مکمل‌های رایج برای مو و ناخن بیوتین است. بیوتین ویتامینی است که به مقدار کم در بسیاری از غذاها وجود دارد. نام‌های دیگر آن «کوانزیم R»، ویتامین BV، ویتامین H و فاکتور W است. البته اجباری در مصرف مستقیم این مکمل‌ها نیست، بلکه می‌توان با خوردن برخی از مواد غذایی حاوی بیوتین، میزان مورد نیاز بدن خود را از آن تأمین کرد. افزایش مصرف مواد حاوی بیوتین در رژیم غذایی، به حفظ سلامت مو و ناخن کمک می‌کند. مواد غذایی شامل بیوتین عبارت‌اند از: اسفناج، آووکادو، بادام‌زمینی، بادام و عدس.

• دهان و دندان

وقتی از سفیدی دندان‌ها و زیبایی آن‌ها صحبت می‌شود، همه می‌دانند چه چیزهایی را نباید بخورند. اما چه چیزی می‌تواند از دندان‌ها محافظت کند؟ بدیهی است که باید از مواد غذایی شکردار ترسید و در اکثر مواقع از خوردن آن‌ها پرهیز کرد. اما نگران نباشید. برخی مواد غذایی برای جلوگیری از رشد سریع باکتری‌ها و آسیب رسیدن به پلاک دندان‌ها بسیار مفیدند. این مواد غذایی عبارت‌اند از: چای، اسفناج، سیب، کشمش و شاه‌توت.

• پوست

پوست یکی از مهم‌ترین بخش‌های بدن است که البته بسیار هم در معرض آسیب قرار دارد. محافظت از پوست به حفظ سلامت کلی و همچنین زیبایی ظاهری کمک بزرگی می‌کند. مواد غذایی حاوی بیوتین، همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، برای پوست بسیار مفیدند، اما مواد دیگری هم از این جمله وجود دارند، مثل: شکلات تلخ، چای سبز، گوجه‌فرنگی، جو، روغن زیتون و گردو.





اینجا مدرسه است خانم. آموزشگاه هنر که نیست!

دو کلام حرف حساب!

هدف از زنگ هنر در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی پرورش نقاش یا هنرمند است یا کشف استعدادها و بروز تخیلات و پرورش خلاقیت کودک! آیا بدون دانستن این هدف می‌توان درباره‌ی خلاقیت هنری کودک اظهار نظر کرد؟ آیا زنگ هنر فقط برای نقاشی است؟

صلاحیت‌های معلم مطالعات اجتماعی

آموزش مطالعات اجتماعی در ماه آذر

با تأکید بر اینکه مطالب کتاب‌های مطالعات اجتماعی، تلفیقی از حوزه‌های گوناگون است و طبقه‌بندی مطالب صرفاً برای درک دقیق‌تر جزئیات صورت می‌گیرد، نمودار کلی مفاهیم آموزشی درس مطالعات اجتماعی در دوره‌ی ابتدایی تدوین شد. تاریخ جلسه‌ی بعدی نیز هفته‌ی آخر مهر تعیین شد. در جلسه‌ی هفته‌ی آخر مهر، مبحث فرایند کاوشگری محیطی و اجتماعی و پرورش مهارت‌ها از بخش مهارت‌های کتاب راهنمای معلم در قالب پنج حوزه (کاوش و بررسی، مشارکت، برقراری ارتباط، خلاقیت، واکنش شخصی و اظهار نظر) مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. باز خورد آموزش‌های ماه مهر بررسی و برنامه‌ی درسی ماه آبان تدوین شد. جلسه‌ی بعدی در هفته‌ی آخر آبان تشکیل شد.

تابستان گذشته با حضور آموزگاران پایه‌های سوم تا ششم درس مطالعات اجتماعی، کارگاهی برگزار شد که هدف آن تسهیل جریان یاددهی - یادگیری موضوعات این درس و بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بود. در کارگاه بر این موضوع تأکید شد که دانش‌آموزان برای انتخاب هر رشته‌ی تحصیلی و اشتغال به هر شغل، به کسب احساس رضایت و خشنودی از خویشتن و شناخت و درک و تمرین رفتارهای اجتماعی مناسب (به منظور حضور مفید و مؤثر در جامعه) نیاز دارند. از آنجا که بهترین زمان برای شکل‌گیری مبانی ذهنی لازم و گرایش به عادت‌های رفتاری مناسب در این زمینه، دوره‌ی پیش‌دبستان و دبستان است، ضروری است آموزش درس مطالعات اجتماعی در این دوره با توجه و دقت بیشتری صورت گیرد.

جلسه‌ی سوم معلمان درس مطالعات اجتماعی پایه‌های سوم تا ششم، هفته‌ی آخر ماه آبان

در همه‌ی پایه‌ها، در جلسه‌ی آخر هر ماه، موضوع درس ماه آینده به دانش‌آموزان اعلام می‌شود تا اگر می‌خواهند، با آمادگی بیشتر در جلسه‌ی گفت‌وگو شرکت کنند. در جلسه‌ی ملاقات با والدین، پوشه‌های کار دانش‌آموزان در اختیار والدین گذاشته

دستور جلسه

- الف)** ارائه‌ی بازخورد فعالیت‌های آبان‌ماه
- ب)** بحث و تبادل نظر در مورد بخش صلاحیت‌های معلم از کتاب راهنمای معلم
- پ)** تهیه‌ی جدول طولی حوزه‌ی موضوعی مکان و فضا در چهار پایه‌ی ابتدایی
- ت)** تهیه‌ی برنامه‌ی درسی آذرماه

پایه‌ی چهارم

جلسات طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده برگزار شدند. از دانش‌آموزان خواسته شد بعد از انجام کاربرگ شماره‌ی ۶، بقیه‌ی استان‌ها را هم به دلخواه رنگ و با دقت قیچی کنند. سپس آن‌ها را در یک پاکت گذاشته و به کلاس بیاورند. در جلسه‌ی دهم، به عنوان ارزشیابی، مقوا و چسب در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تکه‌های جداشده (استان‌ها) را با توجه به نقشه‌ی صفحه‌ی ۲۳ کنار هم روی مقوا بچسبانند. نمونه‌های بسیار خوب،

ارائه‌ی بازخورد فعالیت‌های آبان‌ماه

پایه‌ی سوم

جلسات طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده برگزار شدند. سررسید و خبرنامه‌ی پایه‌ی ششم به دانش‌آموزان نشان داده و درباره‌ی آن صحبت شد. در مورد شورای کلاسی ششم هم توضیح داده شد تا اگر کسی مایل است، از خود دانش‌آموزان کلاس اطلاعات بیشتری در این باره کسب کند. برنامه‌ی نمایش فی‌البداهه مورد استقبال قرار گرفت و به شناخت بیشتر دانش‌آموزان با انواع مسائل موجود در خانواده‌ها و نحوه‌ی حل مشکلات کمک زیادی کرد. فعالیت تهیه‌ی شجره‌نامه با همکاری والدین به خوبی انجام شد و تعدادی از دانش‌آموزان تا چند نسل قبل را هم بررسی کردند. گرفتن اطلاعات در مورد گذشته‌ی خانواده برایشان جالب بود. به نظر می‌رسد طرح موضوع در کلاس و تمرین شفاهی آن، در جلب توجه و ایجاد علاقه‌ی دانش‌آموزان به پیگیری موضوع مؤثر بوده است.

شد، دلیل اهمیت کار این است که هر چه برنامه‌ریزی خوب و صحیح انجام شود، اگر مجری طرح، که در اینجا معلم است، صلاحیت‌های لازم برای اجرای آن را نداشته باشد، حاصل کار که تربیت دانش‌آموزان است، موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

معلم مطالعات اجتماعی باید چه صلاحیت‌هایی داشته باشد؟

نخست آنکه معلم درس مطالعات اجتماعی نیز مانند معلمان سایر درس‌ها باید صلاحیت‌های عام حرفه‌ای داشته باشد.

یعنی به دانش و اطلاعات تخصصی موضوع تدریس، مسلط باشد؛ در تدریس و اداره‌ی کلاس توانایی و مهارت داشته باشد و دارای صلاحیت‌های عاطفی باشد. یعنی به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان علاقه‌مند باشد. در این زمینه، فضای حاکم بر روابط متقابل عاطفی میان معلم و دانش‌آموزان، و نیز دانش‌آموزان با یکدیگر در صلاحیت‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



بحث و تبادل نظر در مورد بخش صلاحیت‌های معلم کتاب راهنمای معلم

قبل از خواندن متن قرار گذاشته شد هرکس در رابطه با هر صلاحیت، از یک تا ده به خود نمره بدهد. گفته

می‌شود تا در جریان فعالیت‌های کلاسی فرزندان خود قرار گیرند.

تلاش می‌شود همکاری هرچه بیشتر آن‌ها، با تأکید بر اهمیت این درس در زندگی اجتماعی فرزندان جلب شود.

می‌کرد اشیای پیچیده‌تری نام ببرد و گروه مقابل تلاش می‌کرد پاسخ دهد. در جلسه‌ی آخر موضوع درس ماه آینده به دانش‌آموزان اعلام می‌شود تا اگر می‌خواهند، با آمادگی بیشتر در جلسه‌ی گفت‌وگو شرکت کنند. در جلسه‌ی والدین، پوشه‌های کار دانش‌آموزان در اختیار والدین گذاشته می‌شود تا در جریان فعالیت‌های کلاسی فرزندان خود هم قرار گیرند. تلاش می‌شود همکاری هرچه بیشتر آن‌ها، با تأکید بر اهمیت این درس در زندگی اجتماعی فرزندان، جلب شود.

شباهت‌های عملکرد شورا و نحوه‌ی اداره‌ی کشور، قرار شد دانش‌آموزان پیشنهاد‌های خود را به شکل کتبی به کلاس بیاورند تا مقررات کلاس تدوین شود. مسابقه‌ی «چی از چی درست می‌شه» برگزار شد. در وهله‌ی اول، مسابقه بین یک داوطلب و معلم انجام شد که هر کدام باید نام یک شیء را می‌گفت و دیگری باید موادی را که در ساخت آن استفاده شده بودند، نام می‌برد. سپس دانش‌آموزان گروه‌های سه‌نفری انتخابی خودشان با هم مسابقه دادند. هر گروه سعی

خوب و متوسط هم روی برد نصب شدند. در مسابقه‌ی گنج‌یابی کلاس به دو گروه تقسیم شد و نقشه‌ی دو گنج با رسم نقشه، بر مبنای جهت‌های اصلی و فرعی، در اختیار آن‌ها گذاشته شد. گروهی که زودتر گنج خود را پیدا کردند، برنده شدند.

پایه پنجم

جلسات طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده برگزار شدند. طرح شورا و سررسید مورد استقبال قرار گرفت و در مورد نحوه‌ی اجرای آن صحبت شد. با طرح

الگو بودن

معلم الگوی دانش‌آموزان است و آنچه در شخصیت معلم جلوه دارد، در وجود دانش‌آموزان نیز جلوه‌گر می‌شود. بر همین اساس، معلم مطالعات اجتماعی نمونه‌ی عینی ارزش‌ها، صلاحیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان است. او فردی است مسئول، متعهد، قانون‌گرا، علاقمند به پیشرفت کشور خود، منظم، اهل مطالعه و تحقیق، صاحب تفکر، خلاق و نقاد، بارو حیه و بانشاط و پایبند به ارزش‌ها و اخلاق اسلامی. برای مثال، معلم نامنظم یا بی‌اعتنا به قانون نمی‌تواند نظم و قانون‌گرایی را در دانش‌آموزان تقویت کند یا معلمی که نسبت به آینده حس بی‌اعتمادی و ناامیدی دارد، این احساسات خود را نسبت به آینده یا پیشرفت جامعه‌ی خود به دانش‌آموزان منتقل می‌کند. معلم مطالعات اجتماعی، به‌عنوان الگوی عملی بچه‌ها، باید رفتار و گفتار مناسب و هم‌سوئی داشته باشد تا از آثار سوء دوگانگی در رفتار و گفتار و نتایج معکوس آن جلوگیری شود.

توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان در فرایند آموزش

معلم مطالعات اجتماعی باید در روابط خود با دانش‌آموزان چنان مؤثر و

سازنده عمل کند که آثار آن در شخصیت و نگرش دانش‌آموز و حتی روابط یا خانواده و گروه هم‌سالانش نیز متجلی شود.

نخست، معلم باید به کرامت انسانی و ارزش شخصیت هریک از دانش‌آموزان احترام بگذارد و به این نکته معتقد باشد که همه‌ی آن‌ها استعداد و توان رشد خوبی دارند. به وجود آوردن فضای اعتماد و احترام متقابل و به‌کارگیری شیوه‌های مشارکتی در فرایند و مراحل آموزش، مهم‌ترین رکن روابط معلم و دانش‌آموز در کلاس درس مطالعات اجتماعی است.

از آنجا که این درس در تقویت گرایش‌ها و باورهای اجتماعی و حس مسئولیت‌پذیری نقش مهمی ایفا می‌کند، عمل مسئولانه‌ی معلم در همه‌ی شرایط و سازمان‌دهی مطلوب فعالیت‌های مشارکتی در فرایند آموزشی، حس مسئولیت‌پذیری و با یکدیگر کار کردن توأم با محبت را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند.

فراهم آوردن فضای مناسب برای ارائه‌ی نظرها و ایده‌های دانش‌آموزان و گوش دادن به حرف‌های آن‌ها، به‌ویژه برای کودکان دوره‌ی ابتدایی، که به تقویت اعتمادبه‌نفس و

خودباوری نیاز دارند، از ویژگی‌ها و مسئولیت‌های مهم معلم مطالعات اجتماعی است. معلم مطالعات اجتماعی باید نقش اوضاع و احوال فرهنگی و جغرافیایی محل زندگی دانش‌آموزان را برای طرح مباحث در نظر بگیرد و بر اساس آن به فهماندن مطالب اقدام کند. توجه به تفاوت‌های فردی و مشکلات خاص کودکان، به‌ویژه برای معلم این درس، ضروری است. بر این اساس، معلم مطالعات اجتماعی باید براینده و مجموعه‌ای از تحقق اهداف را با توجه به استعدادها و توان‌های دانش‌آموزان پیگیری و طلب کند و از تأکید بر توانایی همه‌ی افراد بر همه‌چیز بپرهیزد.

آموزش شیوه‌ی صحیح فکر کردن و تقویت مهارت‌های فرایند تفکر در زمینه‌ی مسائل و روابط اجتماعی و تصمیم‌گیری‌ها باید از طریق تعامل مناسب معلمان با دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف در کلاس درس به شیوه‌ای غیرمستقیم و مؤثر تحقق یابد.

ایجاد رابطه‌ی مؤثر بین دانش‌آموزان

معلم درس مطالعات اجتماعی باید علاوه بر برقراری رابطه‌ی مناسب و مؤثر با دانش‌آموزان، ارتباطات مفید و مؤثر میان آن‌ها را با یکدیگر تقویت کند.

معلم با توجه به ماهیت درس مطالعات اجتماعی و فعالیت‌ها و مهارت‌های مربوط به آن، تمرین زندگی اجتماعی را در محیط مدرسه پایه‌ریزی می‌کند و با اتخاذ شیوه‌های مناسب هنگام کار گروهی، موانع موجود در راه ارتباط مؤثر در گروه هم‌سالان را از میان برمی‌دارد و روابط دوستانه و همکاری و مسئولیت‌پذیری را بین بچه‌ها تقویت می‌کند.

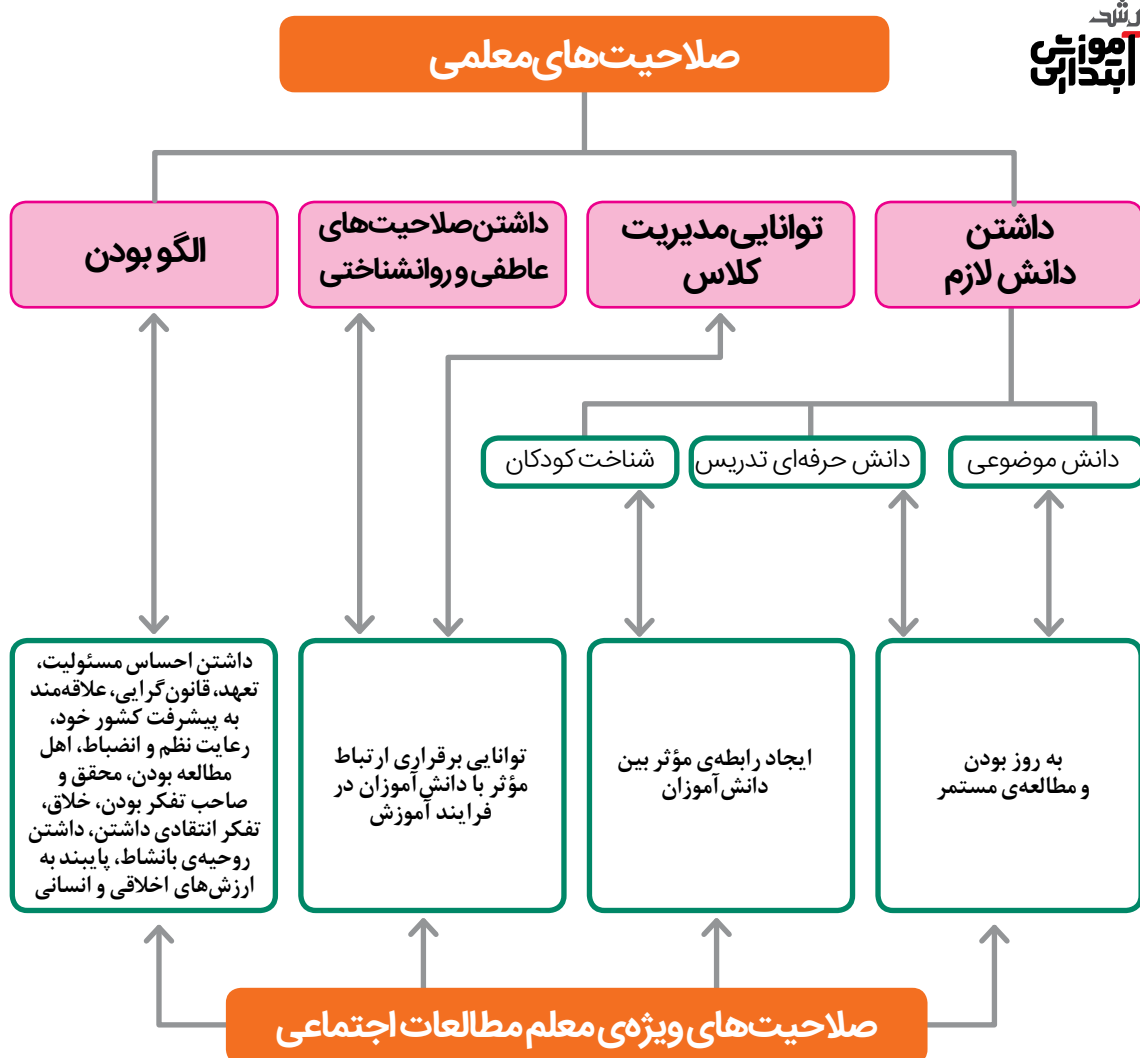
پایه‌ی ششم

جلسات طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده برگزار شدند. طرح شورا با درس‌اداره‌ی کشور در کلاس چهارم مقایسه شد و قرار شد دانش‌آموزان برای تدوین مقررات کلاس آماده شوند.

طرح نوشتن سررسید با شغل تاریخدان در کلاس چهارم مقایسه شد و بر دقت روی شرح جزئیات و حساسیت روی صحت و وسقم اخبار تأکید شد.

قرار شد از ماه آینده، هر هفته دو نفر از دانش‌آموزان داوطلب، مسئول جمع‌آوری اخبار از دانش‌آموزان و بررسی آن‌ها و ثبت در سررسید باشند.

قسمت‌هایی از فیلم‌خانه ۱ در رابطه با کشاورزی نمایش داده شد. در جلسه‌ی ارزشیابی، به‌طور شفاهی در مورد فیلم سؤال شد.



به‌روز بودن و مطالعه‌ی مستمر

درس مطالعات اجتماعی، بنا بر ماهیت خود، با مسائل و موضوعات اجتماعی سروکار دارد و این امر به‌طور مداوم تغییر و تحول می‌یابد؛ اخبار و گزارش‌های روزمره، تحولات مربوط به دیدگاه‌ها و نگرش‌ها، تغییرات محیطی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی - اقتصادی و تغییرات اجتماعی که عموماً در مطبوعات و نشریات انعکاس می‌یابد.

معلم مطالعات اجتماعی، بنا به ماهیت این درس، باید فردی اهل مطالعه باشد و با مطالعه‌ی مستمر رویدادهای جاری و مسائل اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فرهنگی، از آگاهی‌های

لازم در این زمینه برخوردار شود. به عبارت دیگر، به‌روز بودن برای معلم مطالعات اجتماعی اولویت خاص دارد. در پایان این بخش از جلسه، میانگین نمره‌های معلمان محاسبه شد که حدود پنج بود. قرار شد همکاران همگام با دانش‌آموزان به تمرین ارتقای مهارت‌های خود بپردازند و در خودارزیابی دیگری که در چند جلسه‌ی بعد انجام می‌شود، میزان پیشرفت محاسبه شود.

تا آن زمان هم مراقب باشند با کنترل رفتار خود، مواردی را که گفته شد رعایت کنند. همچنین، دقت کنند که رابطه‌ی دانش‌آموزان، با رفتارهایی که به نظر آن‌ها تبعیض‌آمیز می‌آید

مشکل پیدا نکند.

در عین فراهم کردن امکانات آموزشی گوناگون، بنا بر اصل تفاوت‌های فردی، فعالیت اضافی به دانش‌آموزی تحمیل نشود. تا آنجا که ممکن است، از امکانات محیطی مألوف دانش‌آموز برای انتقال مطالب استفاده شود و معلم با شکیبایی و سپردن فعالیت‌ها به دانش‌آموزان، کمک کند آن‌ها در جهت کشف، درک و رشد فرایند تفکرشان هدایت شوند و انواع تصمیم‌گیری را با قبول پیامدهای آن تجربه کنند.

جدول رابطه‌ی طولی راهبردها یا حوزه‌های موضوعی درس مطالعات اجتماعی ابتدایی / (فضا و مکان) جغرافیا

پایه	فصل	مفاهیم کلیدی	موارد
سوم	۴. نیازهای خانواده	رابطه‌ی انسان و محیط	نقش محیط طبیعی در تأمین نیازهای ما، رابطه‌ی منابع با کالاهای مورد استفاده
	۵. خانه‌ی ما	پدیده‌های مکانی، پراکندگی، رابطه‌ی انسان و محیط، حفاظت از محیط و مکان	موقعیت مکانی، فضای خانه، انواع خانه‌ها در نواحی گوناگون ایران، حفاظت از خانه
	۶. مدرسه‌ی ما	پدیده‌های مکانی، پراکندگی	موقعیت مکانی فضاهای مدرسه و نقشه‌ی آن‌ها
	۷. از خانه تا مدرسه	پدیده‌های مکانی، پراکندگی، رابطه‌ی انسان و محیط	نقشه‌ی موقعیت مکانی پدیده‌ها در کوچه و خیابان، رابطه‌ی فرد با فضاهای پیرامون موقعیت مکانی
چهارم	۱. محله‌ی ما	حفاظت از محیط، رابطه‌ی انسان و محیط	مراقبت از محله، ترسیم نقشه محل زندگی و نحوه‌ی ترسیم آن
	۲. شهر من، روستای من	پدیده‌های مکانی، حفاظت از محیط، رابطه‌ی انسان و محیط	جهت‌های جغرافیایی اصلی و فرعی، مطالعه‌ی جغرافی دانان در محیط‌های مختلف و استفاده از ابزارهای آن، انواع شیوه‌های زندگی در نواحی گوناگون ایران
	۳. پیدایش شهر و روستا	حفاظت از محیط	موزه‌ها و کاربردهای آن‌ها، حفاظت از مناطق تاریخی کشور
	۴. سفری به شهرهای باستانی	حفاظت از محیط، رابطه‌ی انسان و محیط	حفاظت از مناطق تاریخی کشور، صنایع‌دستی و غذاهای محلی با توجه به تنوع مکان‌ها
	۵. کشور زیبای من	پدیده‌های مکانی و پراکندگی، حفاظت از محیط، رابطه‌ی انسان و محیط	پراکندگی ناهمواری‌های مهم کوه، دشت، جلگه، پوشش گیاهی و زندگی جانوری، تنوع محیط‌زیست در ایران و لزوم حفاظت از آن، رابطه‌ی ناهمواری‌ها و آب‌وهوا با نوع و شیوه‌های زندگی
	۶. ما ایرانی هستیم	پدیده‌های مکانی و پراکندگی	موقعیت مکانی برخی اقوام
پنجم	۲- سرزمین ما	رابطه‌ی انسان و محیط، پراکندگی، حفاظت از محیط	رابطه‌ی انسان با منابع آب، رابطه‌ی انسان با منابع و مواد اولیه برای تولید کالا، پراکندگی رودهای ایران، پراکندگی انواع راه‌ها در کشور، پراکندگی جمعیت در ایران و علل آن، پراکندگی صنایع مادر و مصرفی در کشور
	۳. کشاورزی در ایران	پراکندگی، رابطه‌ی انسان و محیط	
ششم	۴. منابع انرژی	موقعیت مکانی، پراکندگی، رابطه‌ی انسان و محیط	
	۵. شکوفایی علوم و فنون پس از ظهور اسلام	پراکندگی	
	۶. سفری به اصفهان	پراکندگی	
	۷. اوقات فراغت	حفاظت از محیط	
	۸. پوشاک	پدیده‌های مکانی و پراکندگی، رابطه‌ی انسان و محیط	
	۹. دریاهای ایران	پدیده‌های مکانی، پراکندگی، رابطه‌ی انسان و محیط، حفاظت از منابع	
	۱۰. همسایگان	پدیده‌های مکانی، رابطه‌ی انسان و محیط	
	۱۱. ایستادگی در برابر بیگانگان	پدیده‌های مکانی، پراکندگی	
	۱۲. آزادی خرمشهر	حفاظت از محیط	

پایه‌ی سوم

برنامه‌ی درسی آذر با احتساب یک روز تعطیل برای هفت جلسه بسته می‌شود.

جلسه‌ی اول

گفت‌وگو درباره‌ی موضوع درسی فصل

یک خانواده برای گذراندن زندگی به چه چیزهایی نیاز دارد؟ آیا در گذشته هم خانواده‌ها همین نیازها را داشته‌اند؟ آیا دقت کرده‌اید در فیلم‌هایی که دیده‌اید و مربوط به سال‌های گذشته‌اند، وسایل مورد استفاده‌ی خانواده‌ها چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با زندگی امروز ما دارند؟ نیازهای خانواده چگونه تأمین می‌شوند؟ برای به‌دست آوردن آن‌ها چه چیزی پرداخت می‌شود؟

پول چگونه به دست می‌آید؟ چه شغل‌هایی را می‌شناسید؟ این مشاغل در ازای گرفتن پول چه چیزی ارائه می‌دهند؟ وقتی می‌گوییم دخل و خرج، منظورمان چیست؟

وقتی می‌گوییم هزینه و درآمد منظورمان چیست؟ وقتی می‌گوییم پس‌انداز منظورمان چیست؟ وقتی می‌گوییم اسراف منظورمان چیست؟ وقتی می‌گوییم منابع طبیعی منظورمان چیست؟

آیا منابع طبیعی پایان‌ناپذیرند؟ کیسه‌ی زباله‌ای که هر شب بیرون می‌گذاریم، چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ وقتی می‌گوییم باز یافت منظورمان چیست؟ وقتی می‌گوییم مدیریت پسماند، منظورمان چیست؟ انجام مسابقه‌ی چی از چی درست می‌شه.

جلسه‌ی دوم

خواندن متن درس‌ها و تصویرخوانی کتاب

جلسه‌های سوم تا پنجم

انجام فعالیت‌های کلاسی

جلسه‌ی ششم

همانگی با دفتر مدرسه برای تهیه‌ی

ظرف‌های جداگانه‌ی زباله‌ها برای حیاط مدرسه و تشکیل گروه‌های چندنفره برای نظارت روزانه بر اینکه دانش‌آموزان زباله‌ها را به تفکیک در ظرف‌ها بریزند.

جلسه‌ی هفتم

ارزشیابی: توضیح درباره‌ی یک شغل با تحقیق قبلی و پاسخ به سؤالات هم‌کلاسی‌ها

پایه‌ی چهارم

برنامه‌ی درسی آذر با احتساب یک روز تعطیل، برای ۱۱ جلسه بسته می‌شود.

جلسه‌ی اول

گفت‌وگو درباره‌ی موضوع درسی فصل. یادآوری انواع خانه در کلاس سوم. تاریخدان کیست؟ باستان‌شناس کیست؟ نمایش فیلم درباره‌ی انسان ابتدایی و سیر تحول خانه از غار تا خانه‌های امروزی

جلسه‌ی دوم

خواندن متن و تصویرخوانی کتاب

جلسه‌های سوم تا دهم

انجام فعالیت‌های کتاب و فعالیت‌های پیشنهادی کتاب راهنمای معلم

جلسه‌ی یازدهم

ارزشیابی کتبی

پایه‌ی پنجم

برنامه‌ی درسی آذر با احتساب یک روز تعطیل، برای ۱۱ جلسه بسته می‌شود.

جلسه‌ی اول

گفت‌وگو درباره‌ی موضوع درس‌های ۸-۹، راه‌ها و حمل‌ونقل از خانه تا مدرسه را از چه راه‌هایی می‌توانید طی کنید؟ از خانه تا یک شهر دیگر را چگونه؟ از خانه تا یک کشور دیگر را چگونه؟ اگر بار همراه داشته باشید چگونه؟ اگر بخواهید محصولاتی را

به بازار داخلی بفرستید چگونه؟ بخواهید به بازار خارجی بفرستید چگونه؟

جلسه‌ی دوم

خواندن متن و تصویرخوانی

جلسه‌های سوم و چهارم

انجام فعالیت‌های کتاب

جلسه‌ی پنجم

گفت‌وگو درباره‌ی موضوع درس ۱۰؛ کشور ما چگونه اداره می‌شود؟ مدرسه‌ی ما چگونه اداره می‌شود؟ چه مشاغلی در مدرسه وجود دارند؟ هرکدام چه مسئولیت‌هایی دارند؟ هرکدام تحت نظر چه کسی کار می‌کنند؟ (سلسله‌مراتب) وزارت آموزش و پرورش چه مسئولیت‌هایی دارد؟ وزارت آموزش و پرورش را چه کسی اداره می‌کند؟ این وزارت تحت نظر چه کسی کار می‌کند؟

جلسه‌ی ششم

خواندن متن و تصویرخوانی

جلسه‌های هفتم و هشتم

انجام فعالیت‌های کتاب

جلسه‌ی نهم

بررسی عملکرد شورا

جلسه‌ی دهم

تدوین مقررات کلاس

جلسه‌ی یازدهم

ارزشیابی کتبی

پایه‌ی ششم

برنامه‌ی درسی آذر با احتساب یک روز تعطیل، برای ۱۱ جلسه بسته می‌شود.

جلسه‌ی اول

گفت‌وگو: چند سؤال برای دانش‌آموزان طرح می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود اگر می‌توانند جواب بدهند و اگر نمی‌توانند منتظر باشند تا در موقع خواندن متن جواب آن را بشنوند: درباره‌ی این شخصیت‌ها چه می‌دانید: اسماعیل جزری، زکریای

پایه سوم: (فصل ۴، نیازهای خانواده)

مفاهیم کلیدی	راهبرد یا حوزه‌های موضوعی	موارد
مسئولیت‌ها و تکالیف نقش‌ها، گروه‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی	نظام اجتماعی	صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف، حفاظت از منابع (قدردانی از نعمت‌های خداوندی) شهرداری
-	زمان تداوم و تغییر	
میراث فرهنگی	فرهنگ و هویت	آموزه‌های دینی در زمینه مصرف
مسئولیت‌پذیری	ارزش و اخلاق	علاقه‌مندی به صرفه‌جویی و قناعت در وسایل زندگی و پرهیز از اسراف
رابطه‌ی انسان و محیط	فضا و مکان	نقش محیط طبیعی در تأمین نیازهای ما، رابطه‌ی منابع با کالاهای مورد استفاده
کار و کارآفرینی بهره‌وری منابع و نظام‌های اقتصادی	منابع و فعالیت‌های اقتصادی	لزوم انواع مشاغل، مشاغل خدماتی و تولیدی بازیافت چיסستی منابع، انواع منابع، مفهوم کالا، درآمد شغل، مصرف

پایه چهارم: (فصل ۳ /پیدایش شهر و روستا)

مفاهیم کلیدی	راهبرد یا حوزه‌های موضوعی	موارد
-	نظام اجتماعی	
تغییر و تحول، پیشرفت	زمان تداوم و تغییر	تغییر و تحول در زندگی بشر از غارنشینی تا شهرنشینی در طول زمان شکل‌گیری تمدن‌ها
تعلق و هویت میراث فرهنگی	فرهنگ و هویت	علاقه‌مندی به ایران آثار تاریخی به جامانده (مکان‌های تاریخی) نحوه‌ی مطالعه گذشته توسط مورخان
مسئولیت‌پذیری وطن‌دوستی	ارزش و نگرش‌ها	حساس بودن به حفاظت از آثار تاریخی و میراث فرهنگی علاقه و افتخار به گذشته‌ی طولانی کشور
حفاظت از محیط	فضا و مکان	موزه‌ها و کاربردهای آن حفاظت از مناطق تاریخی کشور
-	منابع و فعالیت‌های اقتصادی	

پایه پنجم: (بقیه‌ی فصل ۲ (سرزمین ما) درس‌های ۸ و ۹ و ۱۰)

مفاهیم کلیدی	راهبرد یا حوزه‌های موضوعی	موارد
حقوق و قوانین مسئولیت‌ها و تکالیف نهادهای و مؤسسه‌های اجتماعی	نظام اجتماعی	حق شرکت در انتخابات، قانون اساسی، قوانین و مقررات حمل‌ونقل جاده‌ای مصرف بهینه‌ی آب، رعایت مقررات ایمنی در حمل‌ونقل قوه‌ی قضاییه، قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه
تغییر و تحول، پیشرفت	زمان تداوم و تغییر	تغییرات و تحول صنایع در طول زمان، افزایش جمعیت در طول سال‌های گذشته تغییر و تحول در وسایل حمل‌ونقل در طول زمان
-	فرهنگ و هویت	
مسئولیت‌پذیری	ارزش و اخلاق	مسئولیت در قبال منابع آب و مصرف صحیح
پراکندگی رابطه‌ی انسان با محیط حفاظت از محیط	فضا و مکان	رابطه‌ی انسان با منابع آب، رابطه‌ی انسان با منابع و مواد اولیه برای تولید کالا پراکندگی رودهای ایران، پراکندگی انواع راه‌ها در کشور پراکندگی جمعیت در ایران و علل آن پراکندگی صنایع مادر و مصرفی در کشور، حفاظت از منابع آب
منابع و نظام‌های اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی	منابع و فعالیت‌های اقتصادی	مفهوم صادرات و واردات، صنایع مادر و مصرفی آشنایی با محاسن و معایب انواع وسایل حمل‌ونقل آشنایی با مشاغل مرتبط با انواع حمل‌ونقل

پایه ششم: (فصل‌های ۵ و ۶ / شکوفایی علوم و فنون پس از ظهور اسلام، سفری به اصفهان)

مفاهیم کلیدی		راهبرد یا حوزه‌های موضوعی
(فصل ۶) سفری به اصفهان	(فصل ۵) شکوفایی علوم و فنون پس از ظهور اسلام	نظام اجتماعی
-	-	زمان تداوم و تغییر
تحول، پیشرفت و تداوم، علت‌ها و معلول‌ها، شواهد و مدارک	تحول، پیشرفت و تداوم	فرهنگ و هویت
میراث فرهنگی	میراث فرهنگی	فضا و مکان
پراکندگی	پراکندگی	منابع و فعالیت‌های اقتصادی
-	-	ارزش‌ها و نگرش‌ها
میهن‌دوستی، احساس تعلق نسبت به میراث فرهنگی هنری کشور و حفاظت از آن‌ها	میهن‌دوستی، احساس تعلق و تمایل نسبت به مفاخر و دستاوردهای مسلمانان ایرانی در دوره‌ی اسلامی	

خواندن متن و تصویرخوانی درس ۱۲: چرا در دوره‌ی صفویه فرهنگ و هنر شکوفا شدند؟

جلسه‌ی هشتم

اجرای فعالیت‌های کتاب

جلسه‌ی نهم

مناظره بین شخصیت‌های معرفی‌شده در کتاب که فعالیت‌های هرکدام چقدر مهم بوده است، همراه با توضیحات معلم با کمک بخش دانستنی‌های معلم از کتاب راهنمای معلم

جلسه‌ی دهم

فیلم درباره‌ی شخصیت‌ها و آثار تاریخی اصفهان، نشان دادن کتاب‌های شعر با نقاشی مینیاتور مثل دیوان حافظ

جلسه‌ی یازدهم

ارزشیابی کتبی

خواندن متن و تصویرخوانی درس ۱۰: چه عواملی موجب گسترش علوم و فنون در دوره‌ی اسلامی شدند؟

جلسه‌ی چهارم

اجرای فعالیت‌های کتاب و توضیح وقفه‌ی تمدنی بعد از حمله‌ی مغول تا دوره‌ی صفویه

جلسه‌ی پنجم

گفت‌وگو: چند کلمه انتخاب و به دانش‌آموزان گفته می‌شود اگر می‌توانند درباره‌ی آن‌ها حرف بزنند و جواب بدهند و اگر نمی‌دانند منتظر باشند تا در موقع خواندن متن جواب آن را بشنوند: نصف جهان، رشته‌کوه زاگرس، زاینده‌رود، مرکز استان، نقشه‌ی گردشگری، کتیبه، چوگان‌بازی، مینیاتور و سفرنامه

خواندن متن و تصویرخوانی

درس ۱۱ اصفهان نصف جهان

رازی، ابوعلی سینا، جابرین حیان، خوارزمی، خیام، ابوریحان بیرونی. و این کلمات: نجوم، رصدخانه، حکیم، شیمی، کیمیاگری، الکل، اسطرلاب، نظامیه، قاره، عصر تاریکی در اروپا، و این سؤالات: تقویم چطور محاسبه می‌شد؟ کشتی‌ها در دریا چگونه راه خود را پیدا می‌کردند؟

تاریخ هجری چگونه محاسبه می‌شود؟ آیا مهندس فقط خانه می‌سازد؟ کاغذ چگونه درست می‌شد؟ ترجمه چیست و چه فایده‌ای دارد؟ از تاریخ ظهور اسلام در سال قبل چه مطالبی را به یاد دارید؟

خواندن متن و تصویرخوانی

درس ۹، پیشرفت‌های علمی

مسلمانان

جلسه‌ی دوم

انجام فعالیت‌های کتاب، معرفی سایت دانش‌نامه‌ی رشد به نشانی www.daneshnameh.ir و شبکه‌ی مستند doctv.ir و انتشارات سروش (بخش فیلم‌های مستند) و نقشه‌های جغرافیایی گوگل توسط معلم کامپیوتر. معرفی کتاب‌های دائرةالمعارف مصور تاریخ و جغرافی موجود در کتابخانه‌ی مدرسه، برای استفاده‌ی دانش‌آموزان.

جلسه‌ی سوم

جلسه‌ی ششم

اجرای فعالیت‌های کتاب، معرفی سازمان میراث فرهنگی، ارائه‌ی نقشه‌ی گردشگری اصفهان از سازمان میراث فرهنگی و توضیح درباره‌ی آن

جلسه‌ی هفتم

گفت‌وگو: به نظر شما، دانشمندان و هنرمندان در چه شرایط اجتماعی می‌توانند به‌خوبی رشد کنند؟





سلام بر معلم هنر

آشنایی با دنیای ذهنی کودکان، افکار، عواطف و آرزوهای آن‌ها بسیار جالب و جذاب است. کودکان در نقش افراد مورد علاقه‌ی خود ظاهر می‌شوند و نقش بازی می‌کنند. حرکات و صدای حیوانات را تقلید می‌کنند، شکل‌های جدید می‌آفرینند و به هر چیز واقعی رنگ دل‌خواه می‌بخشند. بسیاری از پدیده‌های در دسترس خود را رنگ آمیزی و تزئین می‌کنند. از اتفاقات قصه می‌سازند و با دید خاص خود آن‌ها را به تصویر می‌کشند. با اشیاء و موجودات گوناگون صحبت می‌کنند و به آن‌ها جان می‌بخشند. گاه نیز در مورد دوستان ذهنی خود داستان‌های عجیب تعریف می‌کنند.

معلمان پس از کسب تجربه و تدریس درس‌های گوناگون شناخت عمیقی از دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی کسب می‌کنند. توانایی‌ها، مهارت‌ها، ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را کشف می‌کنند و با ضعف‌ها و قدرت‌هایشان روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها با آموزش درس‌ها توانایی‌های زیادی را در کودکان پرورش می‌دهند. هر یک از علوم بخشی از نیازهای کودک را برطرف می‌کند. ادبیات و رشته‌های هنری هم روح کودکان را صیقل می‌دهند و به احساسات آن‌ها عمق می‌بخشند.

در دوره‌ی ابتدایی، کودکان به تقویت شدن مهارت‌های فیزیکی و پرورش حساسیت‌های کلامی، حرکتی، دیداری و شنیداری نیاز دارند. معلم هنر به دانش‌آموزان کمک می‌کند دقیق‌تر گوش کنند، عمیق‌تر ببینند، به حرکات توجه کنند و نسبت به پدیده‌های اطراف حساسیت بیشتری نشان دهند. دانش‌آموزان باید به احساسات خود توجه کنند و بتوانند آن‌ها را به شیوه‌ی مناسب بیان کنند. اگرچه فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت این حواس نقش مؤثری دارند، ولی مهم‌ترین تأثیر فعالیت‌های هنری، پرورش ذهن و خلاقیت کودکان است.

علاوه بر تمایل فطری به زیبایی، یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی خیال‌پردازی و قدرت تخیل خاصی است که غالباً به مرور زمان رو به افول می‌رود. فعالیت هنری باید محل ابراز خیال‌پردازی‌ها و تخیلات کودکان باشد که در انواع رشته‌های هنری به ظهور می‌رسد. اگر معلم پرورش قدرت تخیل، خلاقیت و زیبایی را در روش کار خود مدنظر داشته باشد، می‌تواند در زنگ هنر از فعالیت هنری کودکان بهترین نتیجه‌ی آموزشی و پرورشی را کسب کند. نکته‌ی اساسی این است که نباید از کودکان توقع داشت مانند

هنرمندان بیندیشند و عمل کنند یا از آن‌ها الگو بگیرند و به تقلید از آثار هنری بزرگسالان بپردازند. تفکرات، تخیلات و ایده‌های کودکان ناب و استثنایی هستند و اگر ابراز نشوند خلاقیت آن‌ها شکوفا نمی‌شود. آن‌ها در مسیر رشد غالباً به دلیل پیروی از الگوهای اجتماعی در زمینه‌های گوناگون، توانایی خیال‌پردازی خود را از دست می‌دهند. معلم هنری که می‌داند کودک باید مراحل رشد خود را طی کند تا به دید واقع‌گرای بزرگسالان برسد، او را مجبور نمی‌کند در فعالیت‌های هنری از چیزی تقلید یا از روش خاصی پیروی کند. بلکه به دانش‌آموز اجازه می‌دهد بیندیشد، ایده‌پردازی کند، تخیلاتش را به مرحله‌ی ظهور برساند و تجربه‌های جدیدی کسب کند.

معلم هنر در کلاس به کودکان اجازه می‌دهد خود تصمیم بگیرند و عمل کنند و نتیجه‌ی تلاش خود را ببینند. بنابراین، از روش آموزش مستقیم استفاده نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد کودکان برای هر فعالیت فکر کنند، راه‌های تازه را بیازمایند و دست به ابتکار عمل بزنند. در حین انجام این فعالیت‌ها، کودکان توانایی‌ها و ضعف‌های خود را می‌شناسند و با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که حل کردن آن‌ها نیاز به تفکر

اگرچه فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت حواس پنج‌گانه نقش مؤثری دارند، ولی مهم‌ترین تأثیر فعالیت‌های هنری، پرورش ذهن و خلاقیت کودکان است

انجام تمرین درس‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. پس از انجام هر فعالیت هنری، معلم براساس شناخت کودکان و مفهوم خلاقیت هنری در این دوره، آن‌ها را تشویق و انگیزه‌ی فعالیت‌های بعدی را ایجاد می‌کند. در این راه، معلم نباید از کمبود امکانات نگران باشد، بلکه باید از طریق فعالیت‌های خلاق ساده، ذهن کودکان را به مسیر صحیح هدایت کند. همان‌گونه که بعضی معلمان خلاق هنر در شهرها و روستاها به دانش‌آموزان اجازه داده‌اند که با پودر ذغال روی برف نقشی ایجاد کنند، یا با کیسه‌ی آب سوراخ‌شده روی شن‌ها نقشی اجرا کنند. یا با بطری‌های مصرف‌شده‌ی آب در حیات مدرسه حجم زیبایی بسازند. پس مهم‌ترین ویژگی معلم هنر موفق، استفاده از روش‌های خلاق

در فعالیت‌های هنری فردی و گروهی است. همچنین، معلم هنر کودکان را در یافتن راه مناسب بیان هنری آزاد می‌گذارد. او به آن‌ها می‌آموزد که درباره‌ی اثر هنری خود (فردی یا گروهی) توضیح دهند. در کلاس‌های بالاتر دوره‌ی ابتدایی معلم هنر به کودکان می‌آموزد در مورد آثار هنری هم‌کلاسی‌های خود نظر بدهند و احساسات و برداشت خود از کارهای دیگران را بیان کنند. در کلاسی که با این روش برگزار شود، آثار متنوعی اجرا می‌شوند که نتیجه‌ی ذهن خلاق کودکان‌اند. در واقع، هدایت کودکان به تقلید و کپی‌برداری از آثار دیگران مانع فعالیت خلاقه و بروز افکار و عواطف فردی است که هنر به آن تأکید دارد. در مقاله‌ی بعد، در مورد روش‌های صحیح آموزش هنر در مدرسه مطالبی ارائه خواهیم کرد.

و مدیریت دارد. این تجربه‌ها نه تنها یادگیری و درک عمیق مباحث گوناگون را در پی دارند، بلکه به تقویت حواس، پرورش خلاقیت ذهنی، کشف استعدادها، خودباوری و ارضای درونی منجر می‌شوند. معلم هنر می‌داند که برنامه‌ی هنر در دوره‌ی ابتدایی برای تربیت هنرمند نیست و مانند درس‌های دیگر، هر کودک حق دارد مقدمات رشته‌های هنری را بیاموزد و با آثار هنری آشنا شود. در واقع، تربیت هنری در شکل‌گیری شخصیت نقشی اساسی دارد و برای کودکان مانند تربیت بدنی ضروری است. برنامه‌ریزی فعالیت‌های هنری دوره‌ی ابتدایی در برنامه‌ی درسی ملی براساس نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر انجام شده است تا به پرورش حواس و ایجاد حساسیت و خلاقیت در زمینه‌های گوناگون منجر شود. بنابراین، تجربیات هنری منحصر به نقاشی یا محدود به قشر هنرمندان نیست و همه‌ی افراد باید به این درجه از شکوفایی و خلاقیت برسند تا زندگی را با عمق بیشتری تجربه کنند.

به همین دلیل، معلم در کلاس هنر به کودکان آزادی می‌دهد تا فرصتی برای بیان احساسات و تخیلات خود پیدا کنند. کودکان در کلاس هنر با زیبایی‌های طبیعت و آثار هنری آشنا می‌شوند و خود، آثار زیبایی اجرا می‌کنند. معلم هنر علاقه‌های کودکان را می‌شناسد و از طریق آشناکردن کودکان با آثار هنری اصیل، سطح سلیقه‌ی آن‌ها را ارتقا می‌دهد.

او به کودکان اجازه می‌دهد درباره‌ی موضوعات مناسب گروه سنی خود تفکر و ایده‌پردازی و در رشته‌های گوناگون هنری فعالیت‌ی طراحی کنند.

نمایش

اغلب کودکان به نمایش علاقه‌ی زیادی دارند. معلم می‌تواند در این زمینه آن‌ها را هدایت کند تا کار گروهی و مشارکت در اجرای برنامه را تجربه کنند. هنگامی که کودکان به‌صورت گروهی نگارش یک متن زیبا، ایجاد هماهنگی برای گویش زیبا، حرکات نمایشی طراحی‌شده، تزئین صحنه‌ی نمایش (نقاشی و ساخت ماکت و حجم سه‌بعدی)، انتخاب یا طراحی صدا و موسیقی، طراحی لباس، گرم‌بازیگران و کارگردانی را تجربه کنند، در واقع همه‌ی رشته‌های هنری را تجربه کرده‌اند. در مراحل تمرین و اجرای نمایش، معلم آن‌ها را به ایجاد زیبایی و تجسم تخیلاتشان هدایت می‌کند تا فعالیت‌ی دلپذیر و فراموش‌نشدنی را تجربه کنند. شرکت در چنین فعالیت‌ی به کشف توانایی‌های ناشناخته‌ی کودکان کمک می‌کند و آن‌ها را با ابعاد تازه‌ای از وجودشان آشنا می‌کند. فعالیت خلاقه در اجرای اثر هنری یک تجربه‌ی عمیق درونی است که غالباً در

کاشت، داشت، برداشت

معلم‌های خوش فکری هستند که برای تفهیم درس‌ها به دانش‌آموزانشان، روش‌های ابداعی خودشان را دارند. خوب است شبکه‌ای ایجاد شود که این تجربه‌ها در آنجا به اشتراک گذاشته شوند. برای شروع، در این صفحه و در هر شماره، تعدادی تجربه منتشر می‌شود. شما هم می‌توانید از تجربه‌های آموزشی خود بنویسید و یا فیلم‌برداری کنید و گزارش آن را بنویسید و برای ما ارسال کنید تا به نام خودتان چاپ شود و فیلم‌ها در سایت مجله در اختیار دیگران گذاشته شود.

گندم

در یکی از روزهای سرد پاییز، در مدرسه‌ی دخترانه‌ی ایراندخت، اتفاق مهمی رخ داد. آقای باغبان با دو عدد نان و یک گلدان پر از خوشه‌ی گندم وارد مدرسه شد و سؤالی که از بچه‌ها پرسید این بود: «برای اینکه نان به دست ما برسد، چه کارهایی انجام می‌شود؟» بعد از شنیدن جواب‌های بچه‌ها، تصویرهایی از کاشت گندم در زمان‌های قدیم و جدید پخش شد. برای بچه‌ها جالب بود که در زمان قدیم چگونه گندم‌ها را می‌کاشتند و برداشت می‌کردند. گندم‌ها چگونه سبز می‌شدند و بعد زرد می‌شدند. چگونه آن‌ها را با داس درو و بعد آسیاب می‌کردند و در آخر با گندم‌ها نان می‌پختند. این تصویرها که تمام شد، تصویرهای کاشت امروزی گندم نشان داده شدند. و آن‌ها دیدند که در دوره‌ی جدید، همه‌ی مراحل کاشت و برداشت گندم با دستگاه انجام می‌شود.

داشت

همیاران باغبان هر روز گندم‌ها را آبیاری می‌کردند تا اینکه بعد از یک هفته، چند نفر از بچه‌ها که به کنار باغچه رفته بودند، با شوق فریاد زدند: گندم‌ها، گندم‌ها جوانه زدند. با شنیدن این صدا، همه‌ی بچه‌ها به کنار باغچه آمدند و از نزدیک گندم‌هایی را که یک‌دست همه‌ی باغچه را فراگرفته بودند دیدند. یکی لمسش می‌کرد، دیگری با دوستش در مورد آن گفت‌وگو می‌کرد و آن یکی از شکل جوانه‌ها حرف می‌زد. همه از این رویش

کاشت

بچه‌ها به حیاط مدرسه رفتند. گروه پیش دبستانی اولین گروهی بود که برای کاشت آماده شده بود. همه به کنار آقای باغبان رفتند و وسیله‌ای با نام چنگک را برداشتند و قسمت خودشان را شخم زدند. بعد از مرحله‌ی شخم‌زدن و آماده کردن زمین، آقای باغبان به همه مقداری گندم داد. همه با هم گندم‌ها را داخل باغچه پاشیدند و این آوا پخش شد:

گل گندم شکفته گل گندم یار گل گندم می‌کارم
همچین‌وهمچون گل گندم گل گندم یار یارگل گندم یار

چنین بود که گندم‌ها کاشته شدند. باغبان در مورد سخاوت و بخشندگی زمین نیز برای بچه‌ها توضیح داد که وقتی ما یک دانه گندم در زمین بکاریم، به جای آن زمین به ما ۷۰ دانه گندم می‌دهد. این یعنی بخشندگی زمین که کار خدای بزرگ و مهربان است.



برداشت

درو کردند. انگار در مزرعه‌ی کوچک ما لحظات فراموش نشدنی و خاطره انگیزی رقم می‌خورد. حالا گندم‌هایی داشتیم که برای تبدیلشان به نان یک قدم دیگر باقی مانده بود. به کار انداختن آسیاب سنگی قدیمی، تجربه‌ی چرخاندن سنگ آسیاب و تبدیل گندم به آرد بخش دیگر فعالیت ما بود. بالاخره، در روز پایانی، به مرحله‌ی پخت نان در مدرسه رسیدیم.

بالاخره بعد از حدود هشت ماه صبوری، انتظار به پایان رسید و لحظه‌ی به یاد ماندنی برداشت فرا رسید. در این مدت، بچه‌ها احساس تلاش، پشتکار، موفقیت، امید و نشاط را تجربه کرده بودند. آری خواستن توانستن بود و ما نتیجه‌ی تلاش چند ماهه‌مان را دیدیم. باغبان در یکی از روزهای پایانی اردیبهشت به مدرسه آمد. بچه‌ها یکی یکی به کنارش آمدند و با در دست گرفتن دسته‌ای از گندم‌ها و داس، به شیوه‌ی سنتی گندم‌ها را

خوش حال بودند. آبیاری گندم‌ها در فصل‌های پاییز و زمستان همچنان ادامه داشت. هر روز صبح همیاران باغبان عوض می‌شدند و موقعی که به آبیاری گندم‌ها می‌رسیدند، شعر گل گندم را می‌خواندند. گندم‌ها هم رشد می‌کردند.

بهار فرا رسید و کم‌کم گندم‌ها بر سر خوشه‌ها خوندنمایی کردند و از سبز به زرد تغییر رنگ دادند بعد از تمام شدن تعطیلات نوروز که به مدرسه آمدیم، با صحنه‌ای بسیار دیدنی و جالب روبه‌رو شدیم. تمام خوشه‌های گندم زرد شده بودند و انگار مزرعه‌ی کوچک گندم ما آماده شده بود.

تصورهای نادرست از هوش‌های چندگانه

در نظریه‌ی هوش‌های چندگانه، تفاوت‌های فردی محترم شمرده می‌شوند. بنابر این، در کاربردهای این نظریه، دانش‌آموزان احساس ارزشمندی می‌کنند. البته در این زمینه گاهی تصورهای نادرستی وجود دارند که باعث می‌شوند کاربرد آن در مدرسه‌ها، با مشکلاتی مواجه شود. هدف مقاله‌ی حاضر این است که برخی تصورهای نادرست از هوش‌های چندگانه را مطرح و بررسی کند.

نظریه‌ی هوش‌های چندگانه

امروزه از هوارد گاردنر^۱ و نظریه‌ی هوش‌های چندگانه^۲ بسیار سخن به میان می‌آید. به گفته‌ی گاردنر، استعدادهای انسان از هوش عمومی یا IQ فراتر است. براساس این نظریه، انسان هشت هوش دارد که با ایجاد بستر مناسب می‌توانند همواره رشد کنند. در عین حال، همه‌ی انسان‌ها استعدادهایی دارند، اما با شرح حال‌های هوشی متفاوت. این زیبایی خلقت است؛ اینکه هر انسانی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود به این دنیا آمده است که او را از دیگران متمایز می‌کند. به نظر می‌رسد وظیفه‌ی تعلیم و تربیت متعالی این است که به انسان‌ها کمک کند استعدادها و علاقه‌های خود را بهتر بشناسند و به سمت تعالی پیشرفت کنند، نه اینکه بی‌توجه به تفاوت‌های فردی، همه را به یک سو بکشاند.

هوش‌های چندگانه می‌تواند در یادگیری مهارت‌ها و درک مفاهیم توسط دانش‌آموزان ابزار بسیار مؤثر و نیرومندی باشد، چون برخلاف دیدگاه‌های قدیمی، ابعاد متنوعی از استعدادهای انسان را

پوشش می‌دهد. از آنجا که بهره‌گیری از هوش‌های چندگانه کمک می‌کند تنوع فعالیت‌ها بیشتر شود و کیفیت آموزشی بالاتر رود، در سال‌های اخیر، بسیاری از معلمان با آغوش باز پذیرای این نظریه بوده‌اند (برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه‌ی هوش‌های چندگانه می‌توانید به شماره‌های پیشین رشد آموزش ابتدایی مراجعه کنید: شماره‌ی ۸، اردیبهشت ۹۶ / شماره‌ی ۴، دی ۹۶ / شماره‌ی ۷، فروردین ۹۷ / شماره‌ی ۲، آبان ۹۷).

هوش‌های چندگانه با توجه به تفاوت‌های فردی به معلمان کمک می‌کند شناخت بهتری از دانش‌آموزانشان پیدا کنند، راه‌های متفاوتی را که آن‌ها یاد می‌گیرند شناسایی کنند، و در خلق ابزارهای مربوط به برنامه‌ریزی و ارزشیابی خلاقانه عمل کنند. برای اینکه هوش‌های چندگانه در یادگیری دانش‌آموزان مؤثر واقع شود، باید هر روزه استفاده شود و استفاده از آن در برنامه‌ی روزانه‌ی مدرسه به‌طور مستمر گنجانده شود، نه به‌صورت برنامه‌ای اضافی یا اتفاقی که تنها گاه‌گذاری اشاره‌ای گذرا به آن می‌شود.

معلمان می‌توانند در کمک به یادگیری دانش‌آموزان، و دانش‌آموزان می‌توانند در نشان دادن آموخته‌های خود از هوش‌های چندگانه بهره‌گیرند. برای اینکه این کار مؤثرتر واقع شود، هوش‌های چندگانه باید در فضای مدرسه جریان داشته باشد و همه‌ی معلمان از آن آگاه باشند، به گونه‌ای که آن را به‌طور مستمر به کار گیرند. اما در این راه گاهی تصورهای نادرستی وجود دارند که اگر به درستی شناسایی نشوند، می‌توانند مدرسه را به چالش بکشند.

تصورهای نادرست از هوش‌های چندگانه

از زمانی که هوش‌های چندگانه مورد توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گرفته، گاهی دیده شده است که برخی افراد دچار کج‌فهمی شده و به‌خاطر برداشت‌های نادرست، در عمل استفاده‌ی نادرست از آن کرده‌اند. در اینجا به چند تصور نادرست اشاره شده است:

• تصور نادرست ۱

«در هر جلسه باید از تک‌تک هوش‌های چندگانه استفاده کرد.»

برنامه‌ریزی برای استفاده از تمامی هوش‌ها در تمامی جلسات درسی بسیار زمان‌بر و طاقت‌فرساست، و البته نیازی هم به این کار نیست. تلاش برای به‌کارگیری تک‌تک هوش‌ها در تمام جلسات درسی به هیچ‌وجه عملی و واقع‌بینانه نیست. توجه به هوش‌ها را می‌توان با درایت معلمان، متناسب با توانایی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و با ایجاد تنوع آموزشی در طرح درس، در طول سال تحصیلی انجام داد.

• تصور نادرست ۲

«برای تقویت هوش‌های چندگانه باید فضای کلاس را با ابزار و وسایل مربوط به هر هوش پر کرد.»

اینکه دانش‌آموزان را صرفاً در معرض هوش‌های چندگانه قرار دهیم، گرچه ممکن است در ظاهر کار جالب و تحسین‌برانگیزی باشد، معادل این نیست که با تمهیداتی، آن‌ها را قادر کنیم در یادگیری و به اشتراک گذاشتن دانش خود از هوش‌های مختلفشان استفاده کنند. به‌طور مثال، شکی نیست که پخش موسیقی ملایم در فضای کلاس خوشایند و آرامش‌بخش است. همچنین، تزئین دیوارهای کلاس با آثار هنری نیز جالب و چشم‌نواز است. اما هیچ‌کدام از این دو موقعیت شرایطی را برای دانش‌آموزان فراهم نمی‌کند که از هوش‌های گوناگون خود استفاده کنند. معلمان باید با تدبیر خود شرایطی را ایجاد کنند که دانش‌آموزان فعال باشند و از هوش‌های خود در عمل و در فعالیت‌های کلاسی استفاده کنند.

• تصور نادرست ۴

«نیازی نیست دانش‌آموزان با مفهوم هوش‌های چندگانه و چگونگی استفاده از آن آشنا شوند.»

برای اینکه دانش‌آموزان درک کنند چگونه بهتر یاد می‌گیرند، در کدام هوش‌ها قوی‌تر، و در کدام هوش‌ها ضعیف‌ترند، نخستین گام، آشنا کردن آن‌ها با هوش‌های چندگانه است. آشنایی با هوش‌های چندگانه و توانایی‌ها و ضعف‌های خود، در عین حال به خودشناسی و تقویت هوش درون‌فردی نیز کمک می‌کند. البته باید توجه داشت که این کار باید متناسب با سطح درک دانش‌آموزان در گروه‌های سنی متفاوت انجام شود.

• تصور نادرست ۳

«دانش‌آموزان را باید با برجسب‌های هوشی شناسایی کرد.»

هوش‌های چندگانه «ابزار» است، نه هدف. شناسایی هوش‌های دانش‌آموزان تا جایی لازم است که در برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان و طراحی آموزشی به معلمان کمک کند. اما اینکه فقط میزان توانایی یک دانش‌آموز را در یک یا هر هشت هوش بسنجیم و او را با آن توانایی یا هوش بشناسیم، کار درستی نیست و ممکن است به برجسب زدن یا دسته‌بندی دانش‌آموزان منجر بشود. اگر قرار باشد توانایی‌های دانش‌آموزان در هوش‌های مختلف بررسی شود، این کار باید از طریق مشاهده‌ی آن‌ها در حال استفاده از هوش‌ها و هنگام انجام فعالیت‌های گوناگون انجام شود.

کارگاه‌های آموزشی و بررسی چالش‌ها

در کل، استفاده از هوش‌های چندگانه، در هر نظامی که برای فردیت و هویت دانش‌آموزان ارزش قائل است و تفاوت‌های فردی انسان‌ها را محترم می‌شمرد، سودمند است.

در ضمن، به معلمان کمک می‌کند کلاس‌های خلاق‌تر و شاداب‌تری داشته باشند. اما چنانچه این کار با برداشت‌های نادرست از کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس همراه باشد، ممکن است مدرسه با چالش‌هایی مواجه شود که به‌موجب آن معلمان و دانش‌آموزان بدتر سردرگم شوند.

بنابراین، بهتر است پیش از هر چیز، و البته به‌طور مستمر، در طول سال تحصیلی، کارگاه‌ها و جلسات متعددی برای هماهنگی معلمان و بررسی مشکلات و کج‌فهمی‌های هوش‌های چندگانه در مدرسه برگزار شود تا این نظریه‌ی جذاب و کارآمد، به‌جای کمک به رشد و تعالی دانش‌آموزان، ناخواسته مدرسه را دچار چالش‌های جدید نکند.

پی‌نوشت‌ها

1. Howard Gardner
2. Multiple Intelligences (MI)

منابع

۱. آرمسترانگ، توماس (۱۳۹۰). **هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس**. ترجمه‌ی مهشید صفری. انتشارات مدرسه. تهران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۹).
۲. فلیتیم، مایک (۱۳۹۱). **هوش‌های چندگانه**. ترجمه‌ی بهرام قاسمی‌نژاد. انتشارات فراوان. تهران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
3. Gardner, Howard (2000). **Intelligence Reframed**. New York, NY: Basic Books.
4. Hoerr, Thomas (2000). **Becoming a Multiple Intelligences School**. Alexandria, VA: ASCD.
5. multipleintelligencesoasis.org
6. www.multipleintelligences.org

• تصور نادرست ۵

«همیشه باید به دانش‌آموزان اجازه داده شود به میل خود از هوش‌هایی که انتخاب می‌کنند استفاده کنند.»

اینکه همیشه به دانش‌آموزان اجازه داده شود آزادانه از هوش‌های دلخواه خود استفاده کنند (که البته به‌طور معمول تمایل دارند از برجسته‌ترین هوش‌های خود استفاده کنند) به‌نظر کار پس‌نیده‌ای می‌آید، اما نباید فراموش کرد که نظام تعلیم و تربیت مسئولیت دارد به دانش‌آموزان کمک کند همه‌جانبه و در همه‌ی ابعاد هوشی رشد کنند و راه‌های متنوعی را برای حل مسئله بیاموزند. بنابراین، کار درستی نیست که در انجام همه‌ی فعالیت‌ها از یکی دو هوش برتر یا دلخواه خود استفاده کنند. با این کار، بستری برای رشد همه‌جانبه‌ی آن‌ها فراهم نمی‌شود و تنها همان یکی دو هوش دلخواهشان تقویت می‌شود. باید توجه داشت، در صورتی که دانش‌آموزی تمایل چندانی نشان ندهد که به‌جز یکی دو هوش دلخواه خود، از هوش‌های دیگرش نیز در انجام فعالیت‌ها استفاده کند، این کار نباید همراه با فشار و پیش از آمادگی ذهنی او انجام شود. توجه به میزان آمادگی و گروه سنی کودکان اهمیت ویژه‌ای دارد. معلم باید با درایت خود بستری فراهم کند که دانش‌آموزان از هوش‌های خود به‌مرور زمان و در طول سال استفاده کنند. بدیهی است، فعالیت‌ها باید متنوع، کودکانه، لذت‌بخش، و برد-برد باشند تا برای دانش‌آموزان ایجاد انگیزه شود که از هوش‌های گوناگون استفاده کنند.



رویکرد خردمداری انسان گرایانه

خواندن بسیار و آموزش موضوع‌های گوناگونی که فراتر از دایره‌ی درس‌های دانشگاه بودند، اشتاینر را درباره‌ی مفهوم خود دانش به اندیشه فرو می‌برد. او به خوبی آگاه بود که تجربه‌ی انسان از «خود»ش، تجربه‌ای از دنیای روحانی است. رادلف در فعالیت‌های اجتماعی گوناگون، از هنر و علم گرفته تا سیاست، دستی داشت و درباره‌ی فلسفه بسیار مطالعه می‌کرد. کتاب «فلسفه‌ی آزادی» او در سال ۱۸۹۴ منتشر شد و دستاورد کوشش‌های اشتاینر را در برابر چشم جهانیان قرار داد. فلسفه‌ی آزادی پاسخی بود که اشتاینر برای شکافتن رازهایی که تا آن زمان زندگی‌اش را در خود گرفته بودند، ارائه کرد.

والدورف وارد شوید، نخستین چیزی که توجه شما را جلب می‌کند، اهمیتی است که به ساختمان مدرسه داده شده است. دیوارها معمولاً با رنگ‌های شاد و زنده پوشیده می‌شوند و کارهای هنری کودکان همه‌جا به دیوارها آویخته‌اند و به آن‌ها جلوه می‌بخشند. همه‌جا می‌توانید نشانه‌هایی از فعالیت‌های دانش‌آموزان را ببینید.

روی هر میز یک کتاب درسی ویژه قرار دارد. نکته‌ی جالب توجه دیگر، اشتیاق و تعهد بسیار آموزگاران است که در چهره و فعالیت‌های آن‌ها دیده می‌شود. این آموزگاران به تک تک دانش‌آموزان خود به چشم شخصیت‌هایی یکتا نگاه می‌کنند.

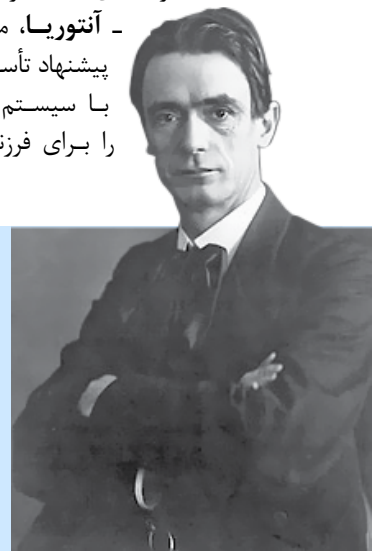
برای دانش‌آموزان مدرسه‌ی والدورف، موسیقی، بازی، تئاتر، نویسندگی، ادبیات، افسانه‌ها و اسطوره‌ها، چیزهایی هستند که به‌طور عمیق تجربه می‌شوند و از راه این تجربه‌ها شوق همیشگی آموختن در وجودشان پرورش می‌یابد. رشد احساسی، فکری و ذهنی، و بدنی و روانی از آن‌ها انسان‌هایی می‌سازد که خود را باور دارند و راه خود را در زندگی می‌شناسند.

کارخانه به وی داد. بدین ترتیب، در سال ۱۹۱۹ اولین مدرسه‌ی والدورف در اشتوتگارد آلمان تأسیس شد. او تا زمان مرگش مسئولیت آموزش و راهنمایی معلمان این مدرسه را برعهده داشت. رادلف اشتاینر خالق روش «آموزش خلاق والدورف» است. او این روش را در سال ۱۹۱۹ به جهان معرفی کرد؛ روشی که پشتوانه‌ای استوار از یک فلسفه دارد؛ فلسفه‌ای که انسان را آزاد، اخلاق‌گرا و زیبایی‌پسند معرفی می‌کند.

روش والدورف به نیازهای کودک در حال رشد توجه می‌کند. آموزگاران والدورف می‌کوشند آموزش را به هنر تبدیل کنند؛ هنری که همه‌ی وجود کودک را مخاطب قرار می‌دهد؛ دست‌ها، قلب و مغز را. اگر به مدرسه‌ای از نوع

در بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ که آتش جنگ جهانی نخست شعله کشید و زندگی را بلعید، اشتاینر نشان داد که چگونه می‌توان با نگاهی به وجود و طبیعت انسان، به قلمروی اجتماعی انسان زندگی تازه‌ای بخشید. او منتقد جدی روش‌های آموزش کودکان بود. انتقاد او از سیستم آموزشی دولتی و سخنرانی‌هایش در رابطه با تعلیم و تربیت بسیار مورد توجه و استقبال مخاطبان قرار می‌گرفت.

در یکی از همین سخنرانی‌ها در کارخانه‌ی سیگارسازی والدورف - **آنتوریا**، مدیر کارخانه، پیشنهاد تأسیس مدرسه‌ای با سیستم آموزشی آزاد را برای فرزندان کارگران



رادلف اشتاینر Rudolf Steiner: ۱۸۶۱ - ۱۹۳۵

رادلف اشتاینر روش آموزش خلاق والدورف را پایه‌گذاری کرده است. روش او بر پایه‌ی فلسفه‌ی آزادی شکل گرفته است و می‌کوشد انسان‌هایی آزاد و خلاق پرورش دهد. اشتاینر در سال ۱۸۶۱ در منطقه‌ای روستایی در اتریش به دنیا آمد. او در هشت‌سالگی به خوبی احساس می‌کرد چیزها مفهومی فراتر از آنچه نشان می‌دهند دارند. بنابراین، در درونش به دنیایی روحانی باور داشت و در ذهن خود در پی توضیحاتی برای این باور خود می‌گشت.





یکپارچگی حس‌ها، هماهنگی بین چشم‌ها و دست‌ها، تجربه‌ی زیبایی‌های زبان و دیگر مهارت‌های لازم برای شکل گرفتن پایه‌های رشد تحصیلی، در مهدکودک پرورش داده می‌شوند. در این فضای به راستی طبیعی، دوست‌داشتنی و خلاق، کودکان با فعالیت‌ها و ساختاری روبه‌رو هستند که به آن‌ها کمک می‌کند برای ورود به مدرسه آماده شوند.

دبستان در مدرسه‌ی والدورف (پایه‌های یکم تا هشتم)

هنگامی که کودک برای ورود به نخستین پایه‌ی دبستان آماده است، به توانایی او بر درک مفاهیم انتزاعی‌تر

مهدکودک و پیش دبستانی در مدرسه‌ی والدورف

نخستین کاری که هر آموزگار کودکان خردسال در مدرسه‌های والدورف انجام می‌دهد، ساختن محیطی گرم و صمیمی مانند خانه برای کودکان است. محیط مهدکودک و پیش دبستانی والدورف امن و حمایت‌کننده است و در آن همه چیز در روندی تکراری و منظم پیش می‌رود. در چنین محیطی، آموزگار والدورف با دو شیوه‌ی اصلی به نیازهای رشد کودکان پاسخ می‌دهد:

یکم اینکه فعالیت‌های روزانه‌ی خانگی، عملی و هنرمندانه‌ای را برای کودکان ترتیب می‌دهد؛ فعالیت‌هایی که کودکان به سادگی می‌توانند آن‌ها را تقلید کنند؛ کارهایی مانند پختن، نقاشی کردن، باغبانی کردن و ساختن کاردستی. این فعالیت‌ها، بسته به تغییر چهره‌ی طبیعت و جشن‌ها و مناسبت‌های هر فصل از سال، تغییر می‌کنند.

شیوه‌ی دیگر این است که آموزگار می‌کوشد توانایی تخیل کودکان را بر اساس سن آن‌ها پرورش دهد. او این کار را با گفتن قصه و ترتیب دادن بازی آزاد انجام می‌دهد. آموزگار قصه‌ها را با دقت بسیار برمی‌گزیند. بازی‌های آزاد یا تخیلی هم به این ترتیب اجرا می‌شوند که کودکان سناریوهایی را که خودشان می‌سازند بازی می‌کنند. این بازی‌ها به کودکان کمک می‌کنند زندگی را از نموده‌های گوناگون و به شکل عمیق‌تر تجربه کنند.

اسباب‌بازی‌های کودکان هم از مواد طبیعی ساخته می‌شوند. میوه‌های درخت کاج، چوب، پنبه، ابریشم، صدف، سنگ و دیگر ابزار طبیعی در بازی‌ها به کار می‌روند. این مواد طبیعی را کودکان خود گردآورده‌اند؛ هم با آن‌ها بازی می‌کنند و هم برای زیبا کردن اتاق از آن‌ها استفاده می‌کنند. تکرار و ترتیب،

چنین انسان‌هایی آماده‌ی خدمت به جامعه هستند.

وقتی کودکان بین آنچه می‌آموزند و آنچه تجربه می‌کنند ارتباط برقرار می‌کنند، سرزنده و مشتاق می‌شوند. به این ترتیب، آنچه می‌آموزند برایشان درونی می‌شود. مدرسه‌های والدورف به گونه‌ای طراحی شده‌اند که این شیوه‌ی آموختن را پیش ببرند.

برای آموزگاران روش والدورف چنین پرسش‌هایی مطرح است:

- چگونه به یک کودک کمک کنیم توانایی‌های تحصیلی خود را به عالی‌ترین شکل بروز دهد؟
- چگونه اشتیاق به کار و آموختن همراه با خودآگاهی سالم، علاقه و توجه به دیگر انسان‌ها و احترام به جهان را در وجود کودک بیدار کنیم؟
- چگونه می‌توانیم به دانش‌آموزان کمک کنیم معنای زندگی را بیابند؟

آموزگاران در مدرسه‌های والدورف خود را متعهد می‌دانند در وجود هر کودک شوقی درونی برای یادگیری بیدار کنند. آن‌ها این هدف را از راه‌های گوناگونی دنبال می‌کنند. با بیداری این شوق درونی برای دانستن، دیگر آزمون‌های رقابتی، نمره و جایزه برای تشویق رفتار مناسب، نیاز نخواهد بود.

برنامه‌ی درسی در روش والدورف گسترده و همه‌جانبه است و به گونه‌ای تنظیم شده که به نیازهای کودکان در سه دوره‌ی رشد پاسخ دهد: از تولد تا ۶ یا ۷ سالگی؛ از ۷ تا ۱۴ سالگی؛ از ۱۴ تا ۱۸ سالگی.

رادلف اشتاینر به آموزگاران گوشزد می‌کرد بهترین راه برای حمایت از کودکان در مدرسه این است که بکوشید هر یک از دوران رشد خود را به تمامی و به خوبی سپری کنند و محتوای مناسب سن آن‌ها را در هر دوره به ایشان ارائه کنید.



دستور زبان، نجاری و بافندگی، ورزش‌ها و زبان‌های خارجی، همه در برنامه‌ی درسی والدورف قرار دارند. این مفاهیم با روش‌های بسیار گوناگونی به کودکان آموزش داده می‌شوند. فعالیت‌های فرهنگی به کودکان کمک می‌کنند با نیرومند کردن توانایی درک و دریافت، به آهستگی مهارت‌های تحصیلی را در خود پرورش دهند. در برخورد با علوم طبیعی، احساس شکوه و شگفتی از هنگام خردسالی در وجود کودک زاده می‌شود. هنگام آشنایی با بدن انسان، کودکان ارتباط مهم بین استخوان‌ها و گلبول‌های قرمز را که در استخوان‌ها تولید می‌شوند، کشف می‌کنند و احساس شکوه و شگفتی وجودشان را فرامی‌گیرد. یا هنگامی که درباره‌ی شیوه‌های تولید دانه در گیاهان می‌آموزند، رشته‌ی دنباله‌دار تکامل را درک می‌کنند و به شگفتی درمی‌آیند. این حس شگفتی و شکوه به نوعی احساس احترام می‌انجامد. احساس احترامی نسبت به طبیعت و محیط زیست که پایه‌ی استواری برای حفاظت از آن را در وجود کودک می‌سازد. این احساس باید زمینه‌ساز بروز استعداد‌های کودکان در فراگیری علوم در دوره‌های آینده‌ی تحصیلی آن‌ها هم بشود.

برای رسیدن به این هدف، همه‌ی وجود هر مدرسه‌ی والدورف، از چیدمان کلاس‌ها تا شیوه‌ی خوانده شدن یک شعر، و از خودکاری که دانش‌آموز برای نوشتن استفاده می‌کند تا تمرین‌هایی که در ورزش ژیمناستیک انجام می‌شوند، بر اساس دو ملاک تنظیم می‌شوند: فعالیت‌ها و درس‌ها باید «کاربردی و زیبا» باشند. دو ملاک کاربردی و زیبا بودن، نیروی مرجع امنی را برای کودک می‌سازند که تأثیر شگفت‌انگیزی بر نیروها و احساس درونی و بیرونی او برجا می‌گذارد.

کودکان برای برخورداری از یک مرجع در کلاس پاسخ می‌دهند: آموزگار کلاس، مسئول کودکان خواهد بود؛ از زمانی که دندان‌های شیری‌شان می‌افتد تا هنگامی که به دوران بلوغ می‌رسند. با اینکه آموزگار کلاس، تنها معلم کودکان در دبستان نخواهد بود، اما در تمام هشت سال دوران دبستان، آن‌ها را همراهی خواهد کرد. آموزگار کلاس در واقع راهنمای کودکان در سال‌های دبستان است که موضوع‌های آموزشی بسیاری را هم به آن‌ها می‌آموزد.

در این دوران، یعنی از کلاس یکم تا کلاس هشتم، دانش‌آموزان مهارت‌های پایه‌ای خواندن، نوشتن و ریاضیات را می‌آموزند. آن‌ها در انواع فعالیت‌های فرهنگی شرکت می‌کنند تا توانایی تخیلشان پرورش یابد؛ از نقاشی، طراحی، شعرخوانی و تأثیر گرفته تا آواز خواندن، ساز زدن و مانند آن‌ها. در تمام این دوران و هنگام انجام فعالیت‌های فرهنگی و عملی، وظیفه‌ی اصلی آموزگار این است که با نیروی تخیل یک هنرمند با دانش‌آموزانش کار کند.

در مدرسه‌ی والدورف قرار بر این نیست که کودکان تنها کارهای هنری و مهارت‌های دستی را بیاموزند، بلکه آموزگار باید موضوع‌های به ظاهر «غیرهنری» را هم با به‌کارگیری تخیل و از راه‌های هنرمندانه به دانش‌آموزانش بیاموزد. بله، درست است. ریاضیات و



توجه می‌شود؛ مفاهیم و کارهایی مانند نوشتن، خواندن و حساب کردن. اما، برای کودک، تنها به دست آوردن دانش اهمیت ندارد. شیوه‌ای که این دانش به کودک ارائه می‌شود، بر اساس خلاقیت آموزگار، بسیار مهم است. آموزگاران در این‌جا نقش سازندگان دانش را برعهده می‌گیرند. آن‌ها باید موضوعی آموزشی را با خلاقیت خود پیروانند و ارائه کنند. این کار برای پاسخ به نیاز درونی کودک به یک مرجع مناسب انجام می‌شود تا بتواند بستر مناسبی برای او فراهم کند تا با دنیا ارتباط برقرار کند.

مدرسه‌ی والدورف با ارائه‌ی نقش جالب توجه «آموزگار کلاس» به نیاز

فرزانه صالحی
معلم دبستان نجات، زرین شهر

یادگاری شیرین

صبح اولین روز خردادماه بود. دانش آموزان پایه‌ی ششم آزمون نهایی هدیه‌های آسمان داشتند. طبق برنامه‌ی هماهنگ که آموزش و پرورش ابلاغ کرده بود، جلسه‌ی آزمون رأس ساعت ۱۰ صبح شروع می‌شد. دانش آموزان یکی پس از دیگری از در وارد می‌شدند و در صف می‌ایستادند. ۱۰ دقیقه به ساعت ۱۰، معاون مدرسه، از روی فهرستی که در دست داشت، شروع به حضور و غیاب دانش آموزان کرد. همه حاضر بودند به جز پروانه عرب‌زاده. ساعت ۱۰ بود، اما پروانه هنوز سر جلسه حاضر نشده بود. تلفن را برداشتم و به مادرش زنگ زدم. او گفت پروانه می‌دانست امروز امتحان دارد. اتفاقاً درسش را هم خوانده است، ولی بابای پروانه دیگر اجازه نمی‌دهد پروانه به مدرسه بیاید.

با ناراحتی از او پرسیدم چرا؟ این بچه تا حالا به مدرسه آمده است! این شش تا آزمون را که بدهد کلاس ششم را تمام می‌کند! پروانه دانش آموز زرنگ و درس خوانی است! واقعا حیف است درسش ناتمام بماند! حداقل اجازه دهید کلاس ششم را تمام کند و بعد تصمیم بگیرد!

اما حرف مادر پروانه یک کلمه بود. آن‌ها تصمیم خود را گرفته بودند. با اصرار زیاد و با هر ترفندی که بود، از مادر پروانه خواستم با پروانه به مدرسه بیایند تا در مورد مشکل با هم صحبت کنیم.

پس از ۴۵ دقیقه از شروع وقت امتحان، بالاخره پروانه با مادرش به مدرسه آمد. خلاف مقررات بود از دانش آموزی که ۴۵ دقیقه پس از شروع آزمون سر جلسه حاضر می‌شود امتحان بگیرم، اما می‌دانستم سختگیری در این مورد بهانه‌ای می‌شود برای مادر پروانه. پروانه را به جلسه‌ی امتحان هدایت کردم و از مادرش خواستم به دفتر بیاید و دوباره در مورد تصمیمی که گرفته بود با او صحبت کردم. او این‌گونه تعریف کرد: «منزل ما بیرون شهر در یک مجتمع دامداری است. با ماشین حدود ۲۰ دقیقه طول می‌کشد به مدرسه برسیم. پروانه با چند دانش آموز دیگر که از همین مجتمع هستند، یک سرویس دارند. چون بقیه‌ی دانش آموزان سرویس از پایه‌های پایین‌تر هستند و تعطیل شده‌اند، راننده مجبور

است فقط به خاطر پروانه به مجتمع بیاید و روزی ۳۰ هزار تومان کرایه می‌خواهد. او ادامه داد: به خدا خانم، من شش بچه‌ی قد و نیم‌قد دارم. نمی‌توانم خرج آن‌ها را بدهم. شوهرم از کار افتاده است و نمی‌تواند کار کند. من خودم در دامداری کار می‌کنم. واقعا برایم سخت است بخواهم روزی ۳۰ هزار تومان کرایه بدهم. با پدر پروانه صحبت کردیم و تصمیم گرفتیم دیگر پروانه را به مدرسه نفرستیم. البته پروانه خودش حاضر است هر روز پیاده این مسیر را بیاید تا امتحاناتش تمام شوند، اما مسیر خیلی خلوت و خطرناک است و یک ساعت پیاده‌روی دارد.»

پس از شنیدن صحبت‌های مادر پروانه لحظاتی به فکر فرو رفتم. پروانه دانش آموز متین و مؤدب و درس خوانی بود! از وضعیت زندگی‌اش کمابیش آگاهی داشتم. در موقعیت‌های مختلف هم به او کمک می‌شد. اما قبلاً چنین موقعیتی فراهم نشده بود که در مورد وضعیت زندگی‌شان به‌طور دقیق صحبت کنیم. به همین دلیل، هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم این خانواده از نظر مالی تا این حد در مضیقه باشند.

لحظاتی چهره‌ی آرام و معصوم پروانه در نظرم مجسم شد؛ روزهایی که با شور و نشاط در حیاط مدرسه بازی می‌کرد و فارغ از قوانین خشک و خشن این دنیای بی‌رحم، غرق در دنیای کودکانه‌اش، به این طرف و آن طرف می‌دوید. بی‌رحمانه بود که این دانش آموز باهوش و درس خوان، به خاطر وضعیت مالی و اقتصادی ضعیف خانواده از تحصیل محروم شود.

تصمیم گرفتم هر طور شده است به پروانه کمک کنم تا بتواند امتحانات نوبت دوم را تمام کند.

به مادرش گفتم، نشانی منزلتان را به من بدهید. من خودم مسئولیت رفت و آمد پروانه را به عهده می‌گیرم. ابتدا ممانعت کرد. حاضر به قبول خواسته‌ی من نمی‌شد. به قول خودش نمی‌خواست این زحمت را من متحمل شوم. اما من به او اطمینان دادم برایم هیچ مشکلی نیست و خودم مسئولیت قبول می‌کنم. نشانی منزل را از او گرفتم. البته، برای محکم‌کاری، رضایت‌نامه‌ای هم مبنی بر اجازه‌ی پدر پروانه برای قبول بردن و آوردن فرزندش توسط خودم تنظیم کردم و به مادر پروانه دادم. از پروانه خواستم روز بعد این رضایت‌نامه را با امضا و اثر انگشت پدرش به من تحویل دهد.

روز سوم خرداد ماه، روز دومین آزمون پایه‌ی ششم، ساعت ۹:۳۰ با نشانی که از مادر پروانه گرفته بودم، به دنبال پروانه رفتم. از شهر که خارج شدم، در سکوت جاده، صحبت‌های مادر پروانه برایم تداعی شد. مسیر بسیار خلوت بود و به



ندرت ماشین یا موتورسیکلتی از آنجا عبور می‌کرد. فکر کردم اگر پروانه می‌خواست این مسیر طولانی و خلوت را پیاده طی کند، چه خطراتی او را تهدید می‌کرد! پس از طی مسیر آسفالت‌ه، وارد جاده‌ای خاکی شدم. جاده ناهموار و پر از سنگ و کلوخ بود و با توجه به بارش باران شب قبل، پر از چاله‌های آب، و من مجبور بودم به آهستگی رانندگی کنم. در طول راه، چهره‌ی غیر عادی و بهت‌زده‌ی جوانانی را که کنار جاده نشسته بودند، زیر چشمی از زیر عینک آفتابی برانداز کردم. یک لحظه ترس سراپای وجودم را فراگرفت. سعی کردم به خودم مسلط شوم و قیافه‌ای کاملاً عادی به خودم بگیرم. آهسته شیشه‌ها را بالا

کشیدم و همه‌ی حواسم را به اطرافم معطوف کردم. در عین حال، چشمم به نشانی روی کاغذ بود. پس از گذشتن از چند کوچه‌ی فرعی، به انتهای مجتمع رسیدم. بوی مشمئزکننده‌ی فضولات دامی مشامم را آزار می‌داد. خواستم دوباره نگاهی به آدرس بیندازم که متوجه پروانه شدم. فهمیدم، برای اینکه نشانی منزل سراسر نبود، خودش زودتر از منزل بیرون آمده است. چهره‌ی معصومانه و منتظرش در سایه روشن‌های درختی که زیر آن نشسته بود، می‌درخشید. با دیدن من، به سمت ماشین دوید. خواست در عقب را باز کند، اما از او خواستم جلو بنشیند. در طول راه، لبخند کوچکی بر پهنای صورت معصومش نشسته بود و گاهی‌گاهی با نگاه به بیرون صورتش را از من پنهان می‌کرد. آنجا بود که فهمیدم برای چه می‌خواست عقب سوار شود. پس سعی کردم در مورد امتحانش و اینکه چقدر خوانده است با او صحبت کنم تا احساس شرم و خجالتی را که پشت لبخندهای کودکانه‌اش پنهان می‌کرد فراموش کند. خلاصه، آن روز، پس از برگزاری آزمون، پروانه را به خانه برگرداندم و به او اطمینان دادم که روزهای بعد هم به دنبالش می‌روم. این قصه در همه‌ی روزهای امتحان تکرار شد.

روز آخر به مادرش اطمینان دادم که هر وقت نیاز داشتند، حتماً به آن‌ها کمک خواهم کرد، به شرطی که پروانه درسش را بخواند و ترک تحصیل نکند.

پس از پایان امتحانات، پروانه در خرداد ماه با کارنامه‌ی خیلی خوب قبول شد. این بزرگ‌ترین آرزوی او بود. من امروز این خاطره و کابوس ترک تحصیل پروانه و ناتمام ماندن تحصیلش در پایه‌ی ششم، چهره‌ی نگران و دردکشیده‌ی مادر او و احساس شرم و خجالتش از اینکه به خاطر وضعیت مالی‌اش مانع رسیدن فرزند دلبندش به آرزوهایش می‌شود، همه و همه را مرور می‌کنم.

با افتخار می‌گویم، شاد کردن دل پروانه، آن دخترک معصوم، و تلاشم برای جلوگیری از ترک تحصیلش، بیشتر از آن «الف» و «ب» که سال‌ها پیش به دانش‌آموزان کلاس اول آموختم، ارزش دارد. آرزو می‌کنم و از صمیم قلب از خدای بزرگ می‌خواهم هیچ دانش‌آموزی در هیچ کجای جهان به خاطر فقر و نداری، از تحصیل و آموختن که حق طبیعی و مسلم اوست، محروم نشود.



درست و نادرست در آموزش قرآن

برنامه‌ی درسی قرآن در مدرسه‌ها پیوسته مورد نقد جامعه‌ی قرآنی قرار دارد، به طوری که برخی از فعالان قرآنی از نحوه‌ی آموزش‌های قرآن در مدرسه گلایه‌مندند و مقصر ناکارآمدی و تربیت قرآنی نیافتن جامعه را مدرسه می‌دانند. اما مسئولان آموزش و پرورش معتقدند، وظیفه‌ی آموزش و پرورش، آموزش تخصصی قرآن نیست. این نظام باید طبق رویکردها و مبانی اسناد بالادستی به «تحقق اهداف آموزش عمومی قرآن» بپردازد تا همه‌ی دانش‌آموزان بتوانند از این حق آموزش به صورت یکسان بهره ببرند.

کتاب درسی را، حتی یک بار هم، کامل و به دقت نخوانده‌اند!

وظیفه‌ی آموزش و پرورش ایجاد زمینه‌ی مناسب برای کسب حداقل سواد قرآنی همه‌ی دانش‌آموزان است. سه سند بالادستی، یعنی سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نیز برنامه‌ی درسی ملی، بر تحقق فرهنگ و سواد قرآنی تأکید دارند، یعنی هدف اصلی آموزش و پرورش تحقق سواد قرآنی در دانش‌آموزان است. منظور از سواد قرآنی، کسب حداقل دانش و مهارت پایه از آموزش قرآن است که هر شهروند مسلمان ایرانی باید دارا باشد. به زبان عامیانه، به کف یادگیری قرآن، سواد قرآنی گفته می‌شود.

سواد قرآنی چهار رکن دارد: «کسب مهارت خواندن»، اولین و مهم‌ترین رکن است. خواندن قرآن در مدرسه به معنای قرائت قرآن با رعایت فنون چهارگانه‌ی «تجوید، صوت و لحن، وقف و ابتدا» نیست، بلکه منظور فقط صحیح‌خوانی آیات است.

بنابراین، آموزش‌های تخصصی قرآن جزو برنامه‌ی درسی قرآن و نیز

متخصص آن را تدریس کنند؛
- هدف اصلی این درس تنها علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به قرآن کریم است؛

- هدف از آموزش قرآن آموزش حفظ و قرائت برخی سوره‌های کتاب درسی است؛

- هدف از آموزش قرآن آموزش حفظ پیام‌های قرآنی کتاب درسی است؛

- آموزش روخوانی قرآن در واقع آموزش قواعد روخوانی قرآن است؛
- آموزش روخوانی قرآن کریم به روش شنیداری مورد تأکید است؛

- تربیت حافظان قرآن منظور است.

این برداشت‌های غلط و دخالت‌های غیرکارشناسانه، با اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش و نیز اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و همچنین راهنمای برنامه‌ی درسی آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی که در مقدمه‌ی کتاب‌های درسی آموزش قرآن به وضوح به آن‌ها اشاره شده است، تناسبی ندارد. متأسفانه اغلب معلمان، مقدمه‌ی

همواره مهم‌ترین چالش و تهدید در درس قرآن بدفهمی اهداف این درس بوده و هست. میزان یادگیری و انس دانش‌آموزان با قرآن، دقیقاً به اندازه‌ی فهم صحیح معلم و مدرسه از آموزش قرآن بستگی دارد. تصور جامعه‌ی قرآنی از آموزش قرآن در مدرسه‌ها، آموزش‌های تخصصی قرآن است، در صورتی که وظیفه‌ی اصلی آموزش و پرورش در آموزش قرآن، تحقق سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و اهداف سند تحول بنیادین، و نیز سند برنامه‌ی درسی ملی است.

وجود برخی باورهای غلط درباره‌ی مبانی و روش‌های آموزش و تدریس قرآن در دوره‌ی ابتدایی و نیز اجرای ناقص و نبود نظارت بر برنامه‌های درسی و اعمال سلیقه‌های متعدد در مدرسه‌ها مشکلات عدیده‌ای را باعث شده است، که از آن میان حداقل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تلقی اینکه درس قرآن یک درس تخصصی است و باید معلمان



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی
- ♦ رشد آموزش برهان متوسطه دوم

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir



فعالیت‌های قرآنی مدرسه نیست. این تصور که در مدرسه باید هنر قرائت یا حفظ قرآن کریم آموزش داده شود، صحیح نیست، چرا که اغلب دانش‌آموزان برای فراگیری این فنون استعداد، علاقه و پشتکار لازم را ندارند و در اسناد بالا دستی هم به این موارد اشاره نشده است.

توجه به آموزش‌های تخصصی قرآن در مدرسه، تضییع حقوق اکثریت دانش‌آموزان خواهد بود. با توجه به اینکه آموزش و پرورش یک حق عمومی است، تمامی شاگردان به یک اندازه از آموزش قرآن سهم دارند و اگر ما به آموزش‌های تخصصی قرائت، تجوید و سایر هنرهای قرآنی توجه کنیم، مجبوریم اعتبارات و نیروی انسانی فراوانی را در این قسمت متمرکز کنیم و در نتیجه از اهداف اصلی باز می‌مانیم.

طبق نظریه‌های روان‌شناسی تربیتی، هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری و همچنین موضوع توجه به تفاوت‌های فردی، تمامی فراگیرندگان توانایی رسیدن به جایگاه هنری قرائت و حفظ قرآن کریم را ندارند. بنابراین، اگر ما در آموزش و پرورش به آموزش‌های خاص تأکید کنیم، سرخوردگی بسیاری از دانش‌آموزان و چه بسا اعتراض خانواده‌های آن‌ها را در پی خواهیم داشت و این امر به نفع نظام تعلیم و تربیت و آموزش قرآن نیست. برای یادگیری هر هنری دارا بودن حداقل سه مؤلفه ضروری است: استعداد، انگیزه و پشتکار. اگر کسی استعداد حافظ یا قاری شدن را نداشته باشد، یعنی اصطلاحاً هوش موسیقایی و یا هوش فضایی نداشته باشد، هر چقدر هم ما در این باره هزینه کنیم، غیر از اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و نیروی انسانی، و تحمیل فشار بر دانش‌آموز، نتیجه‌ی دیگری نخواهیم گرفت.

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشند:

مطالب عمومی

۱. **خاطره:** خاطره باید به مدرسه، درس، دانش آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. **تجربه:** تجربه‌های آموزشی و تربیتی را برای مجله بفرستید. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. **داستان:** سوره‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی علمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. **خبر و گزارش فعالیت:** اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی باید تازه و بدیع باشند و به امور روزمره مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشند.

مطالب تخصصی

- مقاله:** ماهنامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. شرایط نوشتن مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۱۸۰۰ کلمه باشد.
 ۵. مقاله‌های کپی شده به سرعت تشخیص داده و کنار گذاشته می‌شوند.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید. از آنجا که مطالب هر شماره از ماهنامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله، برای دریافت نتیجه‌ی آن صبر کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماهنامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و به‌روزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید. برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم:

مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

حمایت از کالای ایرانی

رشدماگ

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

- الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
- ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمراه آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۸۸۴۹.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

♦ استان:

.....

♦ خیابان:

.....

♦ پلاک:

.....

♦ شماره فیش بانکی:

.....

♦ مبلغ پرداختی:

.....

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۲۰/۰۰۰ ریال

صفحه‌ی همراهان مخصوص انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماهنامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند و در صورت تایید، آن را در نوبت چاپ قرار می‌دهند. توجه داشته باشید، مطالبی تایید می‌شوند که شرایط صفحه‌ی ۴۶ را داشته باشند.

۴ مهلا سادات اکبرزاده؛ آموزگار - استان کرمان،

شهرستان زرنند

«زنگ خوشمزه»

۵ سعید ملانتاج کاسگری؛ کارشناس تکنولوژی و

گروه‌های آموزشی شهرستان تنکابن و نماینده‌ی

مجلات رشد شهرستان تنکابن - تنکابن

«تدریس معکوس در آموزش دروس دوره‌ی ابتدایی»،

«توسعه سواد خواندن و نوشتن با استفاده از مجلات رشد»

۱ حسین باقری؛ آموزگار - بوشهر

«ریاضی و تلفیق آن با دروس دیگر در دوره‌ی ابتدایی»

۲ امین مخارقی؛ دانشجوی رشته‌ی علوم تربیتی

دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید بهشتی - مشهد

«چگونه توانستم فرهنگ مطالعه‌ی مؤثر را در دانش آموزان

سال چهارم دبستان باقریه افزایش دهم»

۳ نگین مقصودی؛ آموزگار - استان اصفهان،

شهرستان برخوار

«مصادیق فرهنگ در کتاب ریاضی ابتدایی»، «مزایای

کلاس معکوس»

اسامی برگزیدگان مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» دوره‌ی قبل

برای برگزیدگان، هدیه و تقدیرنامه‌ای به امضای مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در نظر گرفته شده است که تا پایان دی ماه سال ۱۳۹۷ به نشانی‌های اعلام‌شده‌ی آنان فرستاده خواهد شد. از تمام شرکت‌کنندگان در این فعالیت متشکریم و از برندگان تقاضا می‌کنیم در صورتی که تا پایان دی ماه هدایای خود را دریافت نکردند قبل از رسیدن اسفند ماه با دفتر مجله به شماره‌ی ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱ تماس بگیرند.

- | | |
|--|---|
| ۱۷- سید جعفر شاهنوری / فریدونکنار | ۱- نعیمه شفیعی / پوروار / راور، کرمان |
| ۱۸- سید محمد فاطمی / جرقویه علیا، اصفهان | ۲- خدیجه انصاری / تهران |
| ۱۹- اسفندیار ایسپره / چادگان، اصفهان | ۳- فاطمه علی / کهریزک |
| ۲۰- داود غلامی / قروه | ۴- فروزان تازنده / زنجان |
| ۲۱- علیرضا عباسی / اکاشمر | ۵- ملیحه محبوبزاده / جهرم |
| ۲۲- یوسف منتشلو / قروه | ۶- مریم اقدامی / تهران |
| ۲۳- حسین نقوی شاهکونی / علی آباد کتول | ۷- فاطمه سلطانی / فریدونکنار |
| ۲۴- زهرا کشمی کمر / علی آباد کتول | ۸- محبوبه قاسمی زاده / بشرویه، خراسان جنوبی |
| ۲۵- محمد نیکویی / تهران | ۹- پروین محمدی / مریوان |
| ۲۶- فاطمه الیاسی / شاهین شهر | ۱۰- محمود قلوبی / ساری |
| ۲۷- علیرضا سودمند / بیجار | ۱۱- سید محمد حسین ملکیان / شهرضا |
| ۲۸- آذر رحیم زاده / اشترنجان، لرستان | ۱۲- فاطمه نذری / اصفهان |
| ۲۹- سعیده رجائی / خلیل آباد | ۱۳- مریم مرادی / قروه |
| ۳۰- مرضیه کاظمی / منطقه‌ی جلگه، اصفهان | ۱۴- هایده ابراهیمی / مریوان |
| ۳۱- مریم زارعی / تهران | ۱۵- یوسف بابا زاده / سلماس |
| ۳۲- زهرا داستان / نایین | ۱۶- حسین محمدیان / سردشت |

مهدی حقیقی



شیرین و مهربان با قرآن

قرآن کتاب راهنمای زندگی ما مسلمانان است و سبک زندگی ما را مشخص می‌کند. علاوه بر آن، آیات این کتاب آسمانی دل‌ها را نرم و مهربان می‌کند. بر ماست که آموزش خواندن و همدمی با محتوای آن را برای خودمان و برای دانش‌آموزان شیرین و دلچسب کنیم. شاید بهترین کار این باشد که ابتدا خودمان این شیرینی را مزه کنیم و سپس کام کودکان را با آیات آن شیرین کنیم.

ایمان حامی خواه



سامان خدایاری



فاطمه ابراهیمی



عمران اشرفو



مهدی حقیقی



اسماء اصغری



مصطفی حسن زاده



فاطمه همتی



سجاد رفیع خواه



علی اصغر یوسفی

